

پویش

سال دوم شماره های ۱۷ و ۱۸

کمیته همبستگی با مبارزات مردم ایران (هانوفر)

دعوت مشترک جهت برگزاری جشن
اول ماه مه در هانوفر

فعالیت ما در جهت فراخوان
شورای پناهندگان ایرانی
در پاکستان

از طرف شورای پناهندگان و آوارگان ایرانی - کراچی،
در رابطه با وضعیت وخامت بار پناهندگان ایرانی فراخوانی به
دست ما رسید که در آن از همه تشکلات دمکراتیک و نیروهای
انقلابی خواسته شده بود از هر طریق که می‌توانند علیه تضيیقات
" UNHCR " از پناهندگان ایرانی در پاکستان پشتیبانی شود.

۱۶

نظم نوین
دلخواه امپریالیسم
در خاورمیانه

نیازی به تاکید ندارد
که خاورمیانه یکی از
با اهمیت ترین مناطق
جهان از نقطه نظر منافع
سرمایه جهانی است.
این منطقه بسبب امکانات
و منابع طبیعی، بازار
وسیع و نیروی کار ارزانش
و همچنین تمرکز حدود ۸۰
درصد از منابع نفتی جهان
در آن به لحاظ اقتصادی، و
بعلت موقعیت ویژه جغرافیا -
۲

اخبار ایران ،
پناهندگان
و جهان

۲۲

حزب بعث عراق، نیروهای چند ملیتی

و نسل کشی از ملت کرد

براستی که قلم ناتوانتر از آن است که حتی بتواند به
گونه محدودی گوشه‌ای از فجایعی که اخیراً بر مردم نردمنندو
سرکوب شده عراق و بخصوص ملت پایمال شده کرد، تحمیل شد
را بیان نماید.

میلیونها انسان بیدفاع برای نجات از قتل عام و نسل کشی و گریز
از سلاحی، گرسنه و تشنه، مجروح و بیمار، خسته و بی‌روح بدون
امید به آینده و افق روشنی روزها و شبهای سرد را در کوهها و
سکلاخها با پای برهنه و بی‌هیچگونه امکانی در نوردیدند.

جمعیت مینونی انسانها به راه زدند، با کولک شیرخواری درآغوش ۷

در صفحات دیگر :

- * دولت سوئد پناهمویان ایرانی را از طریق ترکیه به رژیم ایران پس میدهد ۱۲
- * گزارشی از برگزاری یازدهمین کنگره جنبش پناهندگان و معاصرین در آلمان ۱۵
- * اطلاعاتی در باره وضعیت پناهندگان ایرانی در ترکیه (قسمت دوم) ۱۸
- * طرح مشترک آلمان و فرانسه برای همکاری امنیتی - سیاسی ... ۱۳
- * وضعیت شاغل زنان در ... ۱۱
- * معرفی یک شکل نوپای پناهندگی در سوئد ۱۱
- * اخباری از کردستان عراق ۹

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی - زنده باد انقلاب

"نظم نوین" دلخواه امپریالیسم در خاورمیانه

اما آنچه خلیج فارس را به عنوان منطقه نفوذ آمریکا تعریف میکرد با انقلاب ایران و سقوط شاه ضربای محکم خورد. به این ترتیب یا سقوط شاه خلافتی بر منطقه ایجاد گردید و یکبار دیگر ساله "امنیت خلیج" را به گمراهی اصلی امپریالیسم بدل ساخت. هر چند آمریکا و متحدینش بعد از سرنگونی شاه کوشیدند تا ایجاد نیروهای واکنش سریع (و بعداً "تحت نام فرماندهی مرکزی) از طریق پایگاههایی در مصر، سوئد و عمان از لحاظ نظامی ابتکار عمل را در منطقه از دست ندهند، ولی این امر نتوانسته است بعنوان یک استراتژی قابل اطمینان (بخصوص از لحاظ سیاسی) جبرانگر خلافت موجود در منطقه گردد و هر از چندگاهی یکی از قدرتهای منطقه‌ای با استفاده از خلافت موجود، ثبات مورد نظر آمریکا و امنیت دولتهای طرفدار آنرا با خطر روبرو کرده است. البته در این میان نباید رقابتهای متحدین آمریکا و همچنین شوروی با آمریکا را در منطقه از نظر دور داشت. گرچه وحدت و منافع مشترک و پایبندی امپریالیستها یک واقعیت غیر قابل انکار است که بارها در عمل خود را نشان داده است؛ اما این منافع مشترک به این معنا نیست که سیستم جهانی سرمایه‌داری یکپارچه است و هر یک از اعضای آن به صورت جداگانه منافع خاصی را تعقیب نمی‌کند.

از این رو و برپایه شرایط ذکر شده، علاوه بر قدرتهای منطقه‌ای هر یک از قدرتهای بزرگ جهانی نیز کوشیدند، سهم بیشتری را در این منطقه به خود اختصاص دهند که طبیعتاً به قیمت کم شدن سهم آمریکا در منطقه تمام شده است. در این راستا، هر کدام از کشورهای عضو بازار مشترک، ژاپن، شوروی و غیره تلاش کردند هر چه بیشتر کنترل مطلق آمریکا در منطقه را به نفع خود کاهش دهند. آلمان، فرانسه، ژاپن و انگلیس هر یک به درجات مختلف موقعیتهای اقتصادی (و بعضاً سیاسی) جدیدی در منطقه بدست آوردند. در مورد شوروی اگر چه منافعی اقتصادی‌اش نسبت به سرمایه‌داری غرب برجستگی ندارد، اما به هر حال هدف گسترش این منافع (عمدتاً در شکل گسترش تجارت، صدور اسلحه به کشورهای منطقه و ۰۰۰) را دنبال کرده است. از سوی دیگر به دلیل همسایگی شوروی با منطقه خاورمیانه، شوروی شدیداً کوشیده است تا جای پای سیاسی محکمتری در خاورمیانه پیدا کند و بعنوان یک نیروی موثر در منطقه تثبیت شود. این سیاست حتی بعد از چرخش عمومی در شوروی نیز دنبال شده است.

نواش (وجود تنگه استراتژیک هرمز، کانال استراتژیک سوئز، خلیج فارس، خلیج عقبه، دریای سرخ، هم مرزی آن با شرق مدیترانه و اقیانوس هند و پسان پلی که آسیا را به آفریقا و اروپا وصل میکند) و همچنین به سبب مجاورتش با مرزهای جنوبی شوروی به لحاظ استراتژیک و نظامی یکی از حساس‌ترین کانونهای موجود در سطح جهان به حساب می‌آید.

به لحاظ تاریخی از قرن نوزدهم امپریالیسم انگلستان به هدف تسلط همه جانبه بر راههای دریایی مستعمرات آسیایی خود در آبهای اقیانوس هند، دریای عمان و خلیج فارس حضور داشت. در سالهای پس از جنگ جهانی دوم، ناوگان امپریالیسم آمریکا نیز در کنار ناوگان انگلیس وارد منطقه شد. پس از جنگ دوم و متعاقب استعمار زندانی، دولت انگلستان ناچار به خارج نمودن ناوگان عظیم دریایی خود از منطقه "شرق سوئز" گشت و در پایان دهه ۱۹۶۰ رسماً این مسئله را اعلام نمود.

با افول قدرت امپریالیسم کهنه کار انگلیس و خروج قوای نظامی‌اش از منطقه، حفاظت از منافع سرمایه‌داری غرب در این منطقه به عهده امپریالیسم آمریکا واگذار شد، اما این جایبایی قدرت در شرایط و موقعیتی صورت می‌گرفت که اولاً دولت آمریکا در اوج درگیری با مردم ویتنام قرار داشت و ثانیاً نمی‌توانست با توجه به اوضاع جدیدی که در پی استعماری در سطح جهان پدیدار شده بود، تسلط خود را بر منطقه به شیوه انگلستان تداوم بخشد. در سال ۱۹۶۹ نیکسون رئیس‌جمهور و کسینجر وزیر خارجه وقت آمریکا، طرح جدیدی در سیاست خارجی آمریکا اعلام نمودند که به دکتترین گوام مشهور است. هدف از این طرح در واقع تسلط و دستیابی امپریالیسم آمریکا و متحدینش به مناطق حساس و خطوط استراتژیک جهان بدون حضور مستقیم و گسترده نیروهای نظامی آمریکا و از طریق حمایت از قدرتهای منطقه‌ای طرفدار سرمایه‌داری غرب بود. براساس این طرح، رژیمهایی که قادر بودند منافع آمریکا را با تکیه بر قدرت خود در مناطق متشنج تأمین و حفاظت کنند توسط آمریکا به جلوس صحنه رانده شدند.

نتیجه عملی این سیاست در منطقه خلیج فارس، سیاست امنیتی‌ای بود که پایه اصلی و نظامی آن به عهده رژیم شاه سپرده شده بود. شاه بمثابة ژنرال منطقه بجای حضور مستقیم سیاسی نظامی امپریالیسم آمریکا در منطقه پاسدار و مجری حفظ ثبات دلخواه امپریالیسم در خلیج فارس شد و بورژوازی ایران را از این موقعیت برتر بهره‌مند و آنها را پشت سر خود بسیج نمود.

نظم نوین " دلخواه امپریالیسم در خاورمیانه

غیرنظامی و شرکتهای خدماتی و مؤسسات مالی خود ایجاد کرد. (۲)

طرح جدید امنیتی آمریکا برای منطقه

قبل از پرداختن به مطلب فوق لازم است اشارهای به طرح پیشنهادی هنری کیسینجر وزیر امور خارجه اسبق آمریکا و یکی از طراحان سیاست امپریالیستی که در گرمکرم جنگ زمینی نیروهای چند ملیتی به رهبری آمریکا تحت عنوان "آمریکا و دستور کار پس از جنگ" ارائه گردید، بکنیم. (۳)

در قسمتی از این طرح میخوانیم:

"در چنین جهانی تنها از دو طریق میتوان صلح (!!) را حفظ کرد، با سلطه یا با ایجاد توازن. ایالات متحده نه خواهان سلطهجویی است (!!) و نه دیگر قادر به اینکار است. بنابراین ما نیاز داریم که به يك موازنه جهانی و همچنین منطقتی متکی باشیم. ما باید از بروز اوضاعی که کشورهای افراطی هر چند سال یکبار با ایجاد خلأ قدرت بوجود میآورند و مارا مجبور میکند بارها و بارها در برابر بحرانهای مشابه، هرچند با هنرپیشگان متفاوت، واکنش نشان دهیم، جلوگیری نائیم." [برائنتها در متن اصلی نیستند] کیسینجر در بخش دیگری از مطالب خود خاطرنشان میسازد. "حضور يك نیروی بزرگ زمینی غربی در منطقه بیتردید هدف تحریرکات افراطی و ملیگرایانه قرار میگیرد. ۰۰۰ پس از کوتاه مدتی، نیروهای زمینی آمریکایی، مزاحمهای خارجی تلقی خواهند شد. تجربه ما در لبنان، شامل تروریسم و خرابکاری تحدید خواهد شد." بهرحال از آنچه در این طرح و همچنین موضعگیریهای سیاستمداران درجه اول آمریکایی میتوان نتیجه گرفت، این است که "اولا" - آمریکا قادر به تسلط مستقیم بر منطقه نیست. چرا که دوران - سلطه به شیوه امپریالیسم انگلیسی به پایان رسیده است، ثانیا" حضور يك نیروی بزرگ زمینی آمریکا و متحدینش نیز نمیتواند نظم مورد دلخواه آمریکا را تأمین کند. چرا که این نیز همان تسلط مستقیم آمریکا بر منطقه را تداعی میکند و به قول کیسینجر "هدف تحریرکات افراطی و ملیگرایانه" قرار خواهد گرفت، ثالثا": بعد از سرنگونی رژیم شاه نیز هیچ يك از حکومتهای طرفدار آمریکا از چنان هزمونی، توان و امکاناتی در سطح منطقه برخوردار نبوده نیستند که به تنهایی قادر به تأمین امنیت مورد نظر آمریکا باشند. ازاینرو تنها راهی که میماند ایجاد يك پیمان نظامی - سیاسی و اقتصادی

بازگشایی بازارها بروی کالاهای آمریکایی و نیز جهت جلوگیری از سقوط شدید دلار، تجارت آمریکا و ژاپن به اندازهای که آمریکا میل دارد "متوازن" نشده است. و با توجه به رشد قدرت مالی و صنعتی ژاپن که طبیعتا" نیاز این کشور را برای کسب بازارهای باز هم بیشتری میطلبد، نمیتواند افق روشنی برای اقتصاد آمریکا در آنجا وجود داشته باشد. روابط تجاری آمریکا با اروپا نیز نمیتواند چشم انداز امیدوارکنندهتری برای آمریکا داشته باشد، چراکه با طرح بازار داخلی اروپا پس از سال ۹۲، موجبات گسترش اقدامات حمایت گرایانه و افزایش موانع ورود صادرات به بازارهای این قاره شدت خواهد یافت. روابط تجاری آمریکا با کشورهای آمریکای لاتین نیز نمیتواند با توجه به افزایش بدهی آنها و براین پایه محدودتر شدن ظرفیت جذب بازارهای آنها گشایشی برای آمریکا داشته باشد.

به هر حال آمریکا ناچار بود به صورت مادی و در عمل نقش رهبری خود در جهان بعد از فروپاشی "بلوک شرق" و دنیای پس از جنگ سرد را در مقابل متحدینش به اثبات برساند و این امر با تکیه بر وسایل و مکانیسمهای اقتصادی میسر نبود.

تجاوز دولت عراق به کویت این فرصت طلائی را برای آغاز حرکت به دولت آمریکا داد و آمریکا با استفاده از موقعیت بیست آمده، - کوشید بحران خلیج فارس را به نخستین آزمون برای تعیین نقش برتر خویش در ساختار "نظم نوین جهان" تبدیل کند.

آمریکا به خرج اروپا و ژاپن و در مقام پاسدار حفظ ثبات و امنیت خاورمیانه به جلو صحنه آمد و یکبار دیگر به اثبات رساند که این دولت آمریکاست که در نهایت "امنیت" صدور و کنترل نفت را در اختیار دارد. نفت یعنی همان کالایی که نیاز پایهای سرمایه داری - جهانی و از همه بیشتر اروپا و ژاپن (که از لحاظ انرژی کاملا" به منطقه متکی هستند) را تأمین میکند. آمریکا با تسلط بر جاهای نفت به متحدینش فهماند که مسائلی نظیر قیمت نفت و بهربرداری از جاهای نفتی را اساسا" او تعیین خواهد کرد و براین مبنا قدرت ایجاد نوسان در اقتصاد جهان و توانایی کنترل آهنگ رشد رقباتی اقتصادی خود را داراست.

علاوه براین آمریکا در بحران خلیج توانست بخشی از بازارهای منطقه را نقدا" به جنگ آورد، یعنی امری که نمیتوانست بوسیله مکانیسمهای اقتصادی بدان دست یابد را با ناآرام کردن جو بین المللی بدست آورد و بدین ترتیب بازار بزرگی برای تسلیحات، صنایع

دعوت مشترک جهت برگزاری جشن اول ماه مه در هانوفر

و برهم سرنوشتی و منافع مشترک کارگران همه کشورها در مقابل سرمایه‌داران پای می‌فشارند.

در نظامی که بر بنیاد استثمار از طبقه کارگر بنا شده است و بورژوازی ثروت و قدرت خود را با بهره‌کشی از کارگران تولید و باز تولید می‌کند، کارگران چاره‌ای جز این ندارند تا در مقابل تعرض بورژوازی به حقوق و دستاوردهای خود، کاهش دستمزدها و سطح معیشتشان و برای دستیابی به یک زندگی شایسته — انسانهای آزاد، علیه بورژوازی مبارزه کنند.

برهمن منوال سالی که گذشت، سال تعرض بیشتر سرمایه‌داری جهانی به دستاوردهای کارگران و مقابله کارگران در مقابل آن بود. با وحدت دو آلمان، علیرغم وعده‌های فریبنده دولت کهل، چیزی نگذشت که "بهشت دنیای آزاد" مفهوم واقعی خود را نشان داد و در اولین قدم میلیونها کارگر و زحمتکش در ایالات شرقی آلمان به خیابانها پرتاب شدند. "بهشت سرمایه‌داری" یکبار دیگر نشان داد که چگونه اولین قربانیان خود را از میان کارگران انتخاب میکند. در کشورهای بلوک شرق و پس از فروپاشی دنیای سوسیالیسم دروغین و در راستای تحولات جاری در این کشورها، باز هم کارگران این کشورها هستند که باید فشار تحولات نظام را بردوش بکشند. اما علیرغم تعرضات بورژوازی، در سالی که گذشت طبقه کارگر در هر گوشه جهان از آسیا و اروپا گرفته تا آفریقا و آمریکا مبارزات خود را در مقابله با تضيیقات و تعرض بورژوازی به نمایش گذاشت.

از تظاهرات صدها هزار نفری کارگران در ایالت‌های شرقی آلمان گرفته تا اعتصابات عظیم نیم میلیونی معدنچیان شوروی، از اعتصاب عمومی و درخشان کارگران نیگاراگوئه گرفته تا اعتصاب و اعتراضات کارگران عرب در سرزمینهای اشغالی اسرائیل، از اعتصاب کارگران آفریقای جنوبی گرفته تا اعتصاب کارگران فرانسه و غیره و بالاخره درخشانترین نمونه سال گذشته اعتصاب چندین ماهه و مقاومت پرشکوه دهها هزار کارگر معادن زونگولداک ترکیه و مارش عظیم آنها به همراه هزار نفر از مردم زحمتکش بطرف آنکارا، تنها نمونه‌هایی از این مبارزات می‌باشند.

به مناسبت بزرگداشت روز اول ماه مه، روز جهانی کارگر، به دعوت و همکاری کمیته همبستگی با مبارزات مردم ایران - هانوفر و انجمن کارگران تبعیدی ایرانی واحد هانوفر، مراسمی در شهر هانوفر برگزار شد.

در این مراسم که بعد از راهپیمایی اول مه آغاز گشت، ابتدا یکی از رفقای کمیته همبستگی ۰۰۰ ضمن خوش آمدگویی به شرکت کنندگان در مراسم، ترتیب برنامه را اعلام نمود، سپس — سرود انترناسیونال توسط یکی از رفقا دکلمه شد و بعد از آن نوار سرود انترناسیونال پخش شد. بعد از آن یکی از رفقای انجمن کارگران تبعیدی بیانیه مشترک دو تشکل به مناسبت اول ماه مه را قرائت کرد که ذیلاً " متن کامل آن از نظرتان می‌گذرد. پس از قرائت متن برنامه با موسیقی زنده آمریکای لاتین، پخش سرودهای کارگری و مترقی و همچنین آهنگهای فارسی - کردی - ترکی و آلمانی و - دکلمه و ۰۰۰ به مدت ۵ ساعت ادامه داشت. در این مراسم حدود ۲۵۰ نفر مرکب از ایرانی، ترک، کرد و آلمانی شرکت داشتند.

مهمترین نقطه قوت جشن اول ماه مه در هانوفر، این بود که با همکاری و همیاری دو تشکل برپا شد. این تجربه موفق نشان داد که تشکلهای مختلف قادرند حول اهداف مشترک به همکاری بپردازند و در سایه این همکاریها کیفیت و کمیت فعالیت خویش را افزایش دهند و تأثیر مثبتتری بر محیط فعالیت خود بگذارند. ما به سهم خود امیدواریم در آینده شاهد همکاریهای نزدیکتر و عمیق‌تری با انجمن کارگران تبعیدی ایرانی باشیم.

"بیانیه مشترک کمیته همبستگی با مبارزات مردم ایران و انجمن کارگران تبعیدی - واحد هانوفر به مناسبت اول ماه مه"

حیّار محترم، رفقا و دوستان!

ما امروز در اینجا جمع شدیم تا روز اول ماه مه، روز جهانی کارگر را گرامی بداریم، روزی که در همه جهان سرمایه‌داری، - کارگران در اشکال مختلف کار را تعطیل می‌کنند، آشکار و پنهان دور هم جمع میشوند، همبستگی جهانی خود را به نمایش می‌گذارند

گرامی باد اول ماه مه روز جهانی کارگر

دعوت مشترک جهت برگزاری جشن اول ماه مه در هانوفر

علاوه بر اینها اعتراضات کارگران ایران ناسیونال، کفش طلایی، سایپا و ۰۰۰ برای افزایش دستمزد از جمله مبارزات کارگران درسال گذشته بود.

اما بیشك موفقترین و بااهمیت ترین مبارزه کارگری در سال ۶۹، - اعتصاب هزاران کارگر و کارمند شرکت نفت در دیماه گذشته میباشد. این اعتصاب که دو هفته بطول انجامید در شهرهای آبادان، اصفهان، تهران، شیراز و تبریز به وقوع پیوست و قسمتهای مختلف شرکت نفت از جمله گاز و پتروشیمی، پخش، خطوط لوله و مخابرات را در بر گرفت. از ویژگیهای این اعتصاب این بود که اولاً - در چند شهر و در شاخههای مختلف به طور همزمان به پیش برده شد و این نشانه درجه بالای ارتباط و پیوند کارگران نفت در - شهرهای مختلف است و ثانیاً " کارگران و کارمندان مشترکاً" به اعتصاب و مبارزه دست زدند.

رژیم در مقابل اعتصاب کارگران نفت عقب نشست و يك هفته پیش از پایان مهلت تعیین شده منهای يك مورد به سایرخواستههای کارگران تسلیم شد.

اعتصاب کارگری در ایران و بخصوص اعتصاب و حرکت یکپارچه کارگران نفت، نشان داد که علیرغم سرکوب تشکلهای مستقیم کارگری و سرکوب سازمانهای سیاسی توسط رژیم جمهوری اسلامی، کارگران خود به يك نوع سازماندهی ویژه در میان خود دست یافتهاند که قادرند چنین حرکت یکپارچه، بایرنامه و منظمی را سازماندهی کنند. این حرکت اثبات میکند که این محیط طبیعی زندگی و مبارزه کارگران است که آنها را به اشکال جدیدی از - مبارزه برای دستیابی به مطالباتشان میرساند.

اما نمیتوان درباره کارگران ایران صحبت کرد بدون اینکه موقعیت زنان و کودکان کارگر ایران را مورد ملاحظه قرار داد. رژیم جمهوری اسلامی از همان ابتدای بقدرت رسیدنش تبعیض و ستمگری موجود علیه زنان در جامعه را به اوج خود رساند و با تشدید و دامن زدن به جو مرد سالارانه در ایران تحقیر و سرکوب زنان را فزونی بخشید، گرچه تبعیض و ستمگری ضاعف علیه زنان روش و شیوه هر رژیم سرمایهداری است، در جامعه سرمایهداری کارگران زن از حقوق به مراتب کمتری از مردان بهره خوردارند، در بیگار سازیها و اخراجها اولین هدف حمله بورژوازی زنان هستند و مهد کودکانها، شیرخوارگاهها به تعطیل کشیده

در ایران، رژیم جمهوری اسلامی که بار مخارج کمرشکن جنگ را بر کارگران تحمیل کرده بود، اکنون و پس از جنگ می‌کوشد هزینه باصطلاح بازسازی اقتصادی را بر آنان تحمیل کند و علیرغم تورم بیسابقه، دستمزدها تا چندی پیش از عید تقریباً ثابت بوده و - با توجه به نرخ بالای تورم، در واقع کارگران بخش مهمی از دستمزد خود را نیز از دست دادند.

تنها در پایان سال گذشته بود که دولت رفسنجانی ناچار شد ماهانه ۲ هزار تومان به حقوق کارگران و کارمندان اضافه کند. اما این واقعیت که با شناور کردن ارزش ریال در مقابل ارزهای بین المللی، ارزش پول ایران حدود ۲۰ برابر تنزل نموده است، بیانگر این امر است که افزایش چنین مبلغی در مقابل گرانتستر شدن کالاها و بخصوص اجناس وارداتی نمیتواند قدرت خرید کارگران را به نحو موثری افزایش دهد.

با این وجود، کارگران ایران، در سال گذشته نیز به مبارزات - خود ادامه دادند، آنان تحت حاکمیت يك رژیم مستبد که هر صدای معترضی را بیرحمانه سرکوب میکند، مبارزه خود را برای افزایش دستمزد، کاهش ساعات کار، دریافت عیدی و پاداش آخر سال، برای بهبود شرایط کار و برعلیه تشکلهای اسلامی حکومت در صنایع و غیره به پیش بردند و علیرغم ممنوعیت اعتصاب در ایران، اعتصابات متعددی برپا داشتند.

با توجه به اینکه حرکات اعتراضی کارگری بسیار بیشتر از آن - میزانی است که ما از آن مطلعیم، از میان اخبار اعتراضات و مبارزات کارگری در سال ۶۹ که از آنها اطلاع داریم، تنها به چند نمونه اشاره می‌کنیم.

در اواخر اردیبهشت ۶۹، حدود ۲ هزار کارگر پالایشگاه اصفهان در اعتراض به اضافه کاری اجباری دست به اعتصاب زدند و خواهان دو برابر دستمزد برای هر ساعت اضافه کاری شدند. این اعتصاب دو هفته ادامه داشت و نیروی اعتراضی کارگران تا آن درجه بود که رژیم ناچار شد در يك برنامه تلویزیونی حرفهای کارگران در مورد ایمنی محیط کار را پخش کند.

در اواخر خرداد ماه ۶۹ هزاران کارگر کوره یزخانههای اطراف تبریز با اعتصاب یکپارچه و همزمان خود خواستار افزایش دستمزد شدند که موفق به افزایش دستمزدهایشان شدند.

اعتصاب و تحصن دو روزه ۲۰۰۰ کارگر موتوری شهرداری که موفق به دریافت يك ماه حقوق و مزایای عید و برکناری مدیر عامل گشتند.

حزب بعث عراق، نیروهای چند ملیتی و نسل کشی از ملت کرد

بقیه از صفحه ۱

چه چیزی از والدین، بجز وجودی افسرده و له شده باقی می‌گذارد. آری آنان نیز که هلاک نشدند، وجودشان با افسردگی عجیب شده است.

اما برآستی چگونه رژیمی که با ذلت و زبونی تمام، شکست را در جنگ با نیروهای آمریکا و متحدینش کردن گذاشت و بواسطه درماندگی به همه خواستهای آنان از ریز تا درشت مطیع شد. ناگهان بار دیگر صاحب آنچنان قدرتی گشت که توان به تباهی، نیستی کشاندن و دربردار ساختن میلیونها انسان را به دست آورد. درست است که دولتهای آمریکا و متحدینش به دیکتاتور زخم خورده عراق فهمانده بودند که آنها، او را در رأس قدرت عراق نمی‌خواهند اما در عین حال به او نشان داده بودند که آنها به هر ترتیب و قیمتی نیز خواهان سرنگونی او نیستند. آنها نمی‌خواستند با سرنگونی صدام حسین خلأ قدرتی در منطقه ایجاد شود که دودش به چشم آنها نیز برسد. بدیل سرنگونی آنان، کودتای ارتش بر علیه صدام حسین بود و نه هرگونه سرنگونی‌ای.

برداشتن صدام حسین از قدرت دولتی آری، اما نه هرگونه عزلی و نه هرگونه سرنگونی‌ای. از نظر گاه "نظم نوین" مورد دلخواه سرمایه جهانی، تنها ارتش عراق نیروی مورد اعتماد بود کسبه

☺



که حتی نای گریستن نیز از او ربوده شده بود، و کودک خردسال دیگری در نست، گرسنه و رنجور با تاولهای پاهای برهنه‌اش، - حاصل عبور از سگلاخها، آنان رنج آوازی و بی‌خانمانی را بر عقوبت ماندن و تباه شدن بر خود روا داشتند. هر چند زندگی بی چشم‌انداز آیندشان چون گولاگی بروجود تکیده و نحیفشان شلاق میزد و دردها و زخمهای تلمار شده، از مرگ عزیزانشان، عزیزترین کسانشان، از جدا شدنشان از حاصل کار و زندگی‌شان، روان آنها را پژمرده میکرد. در آوازی گرچه می‌بایست مرگ و نیستی بخشی از جمعیت را تحمل کرد، اما شاید در آن کورسویی جهت صیانت حیات بخش دیگر یافت میشد. کورسویی که در بی‌دفاع باقی ماندن زیر چکمه میرغضبان رژیم بعثی حتی هیچ نشانی از آن نبود.

دهها هزاران از این جمعیت میلیونی از کولاک و سرما جان باختند، بازندگی، بی‌سرپناهی و عدم دسترسی به حداقلترین وسایل زیست مزید بر علت شد و بر میزان مرگ و میر دستجمعی افزود، برخی که ناتوانتر بودند از سینه کوه به پائین غلطیدند و همانجا خاکشان گردند/البته اگر دستی بود که توان خاک گدن را دارا - بود[شماری دیگر در کوهها و ارتفاعات دچار مارگزیدگی و عقرب‌زدگی شدند و بسیاری مورد هجوم گرگ و کفتار واقع شدند.

هر شب و هر روز هزاران نفر بر تعداد مردگان افزوده شد، به خاطر بی‌نایی، بخاطر بی‌شیر بودن پستان مادران، کودکان درآغوش والدین مردند. جگر گوشهای که در آغوش والدین جان دهد و - والدین نظارگر پرپر شدن او باشند و عاجز از حیات بخشیدن بدو،



حزب بعث عراق، نیروهای چند ملیتی و نسل کشی از ملت کرد

و یا لاقل افکار عمومی را از آن منحرف سازند.

از این رو سردمداران "نظم نوین" با يك تیر دو نشان زدند، از يك طرف شرایط را برای عدم ایجاد خلأ قدرت در عراق مهیا نمودند و از سوی دیگر افکار عمومی را از جنایات خود منحرف ساختند.

در جنبش ضد جنگ اخیر، این تنها نیروهای چپ و رادیکال بودند که در مقابل سرکوب ملت کرد به عنوان پیامد جنگ خلیج فارس هشدار میدادند و خواسته حق تعیین سرنوشت برای مردم کردستان را به عنوان بدیلی در مقابل تارومار شدن آنها مطرح میکردند. (۲) اما سردمداران "نظم نوین" که بعد از سرکوب آوارگی و فجایعی که بر مردم کردستان تحمیل شد، بناگاه به یاد این افتادند که انسان دوست شوند، چرا در آن زمان به هشدار این نیروها بی‌اعتنا بودند و آنها را شعار و جار و جنجال قلمداد میکردند و لاقل با توطئه سکوت و بی‌توجهی از کنار آن می‌گذشتند. واقعیت این است که سرنوشت ملت کرد و هر ملت دیگری نه تنها پیشیزی برای "نظم نوین" امپریالیست‌ها نمی‌آورد، بلکه حتی حق تعیین سرنوشت آنها در مقابل نظم دلخواه آنها قرار دارد.

وقایع و فجایع اخیر در منطقه لاقل بایستی رویای خوش خیالانسه پارطای از افراد را که گرفتار موج تعرض ایدئولوژیک جناح راست بورژوازی شده‌اند و تصور می‌کنند که در جنگ امپریالیست‌ها و دیکتاتورها، طرف مرفی امپریالیست‌ها هستند و پیروزی آنها منافعی برای مردم به همراه دارد را بر باد داده باشد، اینان لاقل اینک بایستی به صورت تجربی هم که شده دریافت‌ها باشند که سرمایه‌داری جهانی دست هارترین دیکتاتورها را - حتی دیکتاتوری که خود حکم سرنگونیش را نیز داده است - برای سرکوب مردم و اعاده از شرایط دلخواه خود باز می‌گذارد.

جلیل محمودی - آوریل ۱۹۹۱

□

۱- جرج بوش در سخنانی که از رادیو دولتی آمریکا پخش شد درباره بر کاری صدام حسین گفت:

"... اگر ارتش عراق کنترل امور را خود به دست گیرد، ایالات

می‌توانست به عنوان بدیل صدام حسین مطرح شود. این حقیقت را حتی دولت آمریکا و برخی از متحدینش کتمان نمی‌کنند و آشکارا آنرا بیان داشتند. (۱)

آیا استفاده از نیروهای هوایی (هلیکوپتر و هواپیما) و سلاحهای سنگین از طرف رژیم عراق بر علیه مردم و نیروهای شورشی، علیرغم منع قبلی استفاده از این ابزار از سوی نیروهای آمریکا و متحدینش خود به عنوان حکم چراغ سبز آنان به رژیم عراق برای سرکوب حرکت و اعتراضات مردم نبود؟ به دیکتاتور بار دیگر فرصت داده شد تا او نیز در خدمت هموار نمودن اهداف و نظم مورد نظر آمریکا قرار گیرد. و بدینسان بود که هر شهسرو ناحیهای که در آن نیروهای مخالف قدرتی به دست آورده بودند، بی‌رحمانه مورد حمله هوایی و زمینی قرار گرفت. موشکباران شد، از کشته‌ها پشته شد، تاراج شد، مردم زنده زنده در آتشباران سوختند. زیر آوار زنده بگور شدند و غارت و نسل کشی به اصل اساسی دیکتاتور زخمی تبدیل شد.

فرصت سرکوب دادن به رژیم عراق، البته نفع دیگری نیز برای سردمداران "نظم نوین جهان" نارا بود. همین چندی پیش بود که این خود نیروهای نظامی آمریکا و متحدینش بودند که با بارانی از موشکها و بمبارانهای بی‌وقفه، جهمی در عراق ایجاد کرده بودند که دهها هزار نفر از مردم بی‌دفاع این کشور را به نیستی و فلت کشانده بود.

کشتار مردم بی‌دفاع در عراق و منطقه، افکار عمومی را علیه جنایات آنان که قرار بود "کویت را آزاد کنند" ! و نظامیان را سر جایشان بنشانند، نه مردم را قتل عام ساخته، مناطق مسکونی، بیمارستانها، مدارس و حاصل کار مردم عراق را به نابودی بکشانند، برانگیخت. و فرصتی در اختیار نیروهای صلح دوست جهان قرار داد تا در رسوا نمودن چهره جنایتکار مدافعان "نظم نوین" به جلوه‌صحنه کشانده شوند.

سردمداران "نظم نوین" این بار نیز از شرایط به وجود آمده، سود جسته و دست دیکتاتور وحشی را باز گذاشتند تا با جنایات خود، جنایات آنان را کمرنگ کند، افکار عمومی را از يك جنایت به جنایت باز هم بزرگتری سوق دهد، و با تسلک به این موقعیت با ریختن اشک تصاح برای سرکوب شدگان، خود را انسان دوست جلوه داده، جنایات چند صباح پیش مرتکب شده خود را بیوشاند

حزب بعث عراق، نیروهای چند ملیتی و نسل کشی از ملت کرد

همانگونه که ملاحظه میشود، تاکید هر دو نفر بر روی سرنوشتی
صدام حسین از طریق کودتا ارتش است.
۲- رجوع شود به کتاب "موری بر جنبش ضد جنگ" نوشته
رفیق مهوش نظری - از انتشارات کمیته همبستگی با مبارزات مردم
ایران - هانوفر.

متحد حاضر خواهد بود به عراق نگرش تازه داشته باشد.
و جان میجر نخست وزیر انگلیس اظهار داشت: "۰۰۰ دولت
انگلیس امیدوار است که فرماندهان نظامی عراق صدام حسین را از
قدرت برکنار کنند."
رجوع شود به کیهان دولتی مورخه ۱۷ فروردینماه ۱۳۷۰

اخباری از کردستان عراق

و مسئولین و جنایتکاران رژیم دستگیر شده و به مقر کمیته
هماهنگی شوراها در مدرسه "ثاوت" (آرزو) منتقل گشتند. که دو
نفر از آنها بنامهای:

- ۱- "کمال پشدری" عامل برجسته اداره امنیت عراق
- ۲- عطا مشهور به "مصه که ریم چواربیل" (۱) (محمد کریم
چار گروه)، از جانبیان مشهور بودند. در این روز ۹ نفر از
مسئولان برجسته رژیم در دادگاه علنی مردمی محاکمه شدند و حکم
اعدام در مورد آنها صادر و اجرا گردید.
- در شب این روز حکم اعدام در مورد ۴۹ نفر دیگر از عاملین
سرکوب مردم اجرا شد.
- جمعا" در طول ایام قیام نزدیک به ۲۰۰۰ نفر مزدوران رژیم
اعدام شدند.
- همولیر (اربیل)

در شهر اربیل ۲۲ شورای مردمی ایجاد گشته که امورات مردم قیام
کننده را هدایت میکنند که با هم رابطه تنگاتنگ داشته و دائما"
با شوراهای شهرهای دیگر در تماس بودند.

مطالبات مردم و "شورای انقلابی مردمی" عموما" عبارت بودند از:

- ۱- جمهوری دموکراتیک و حق تعیین سرنوشت مردم کردستان
بوسیله انتخاب و تصمیم مستقیم مردم زحمتکش کردستان
- ۲- ۳۵ ساعت کار در هفته و افزایش دستمزد کارگران بدون هیچ
گونه تبعیضی بین زن و مرد کارگر
- ۳- ممنوعیت کار شبانه کارگران. به خصوص کارگران زن. در -
مواقع ضروری و نیاز عمومی باید دوبرابر دستمزد بابت کار شبانه
پرداخت شود
- ۴- انتخاب اعضا و یا خلع عضویت اعضای شوراها در مجامع

اخباری از کردستان عراق توسط نامه به دست یکی از رفقا رسیده
و وی ترجمه این اخبار را برای چاپ در نشریه در اختیار ما
قرار داده است.

از آنجا که این اخبار چکیده‌ای از حرکت اخیر مردم کردستان عراق
را در بردارد، برای اطلاع خوانندگان اقدام به چاپ آنها می‌کنیم.

•••••

سلیمانیه: در شهر سلیمانیه روز ۹۱/۳/۷ اولین تظاهرات
بوقوع پیوست. از منطقه "تسووی مطیک" شروع شد و بعد به
طرف مناطق فقیر و کارکنین شهر، مثل "مجید بگ" و "کاریززه
و وشکه" (چشمه خشک) ادامه یافت.

در روز بعد یعنی ۹۱/۳/۸ در ساعت ۱۱ ظهر مردم وتوده‌های
قیام کننده موفق شدند شهر را کاملا" به تصرف در آورده و کنترل
نمایند. بلافاصله بعد از پیروزی قیام مردم عناصر مردم و محافظه-
کار از هر سو پشتیبانی و همبستگی خود را با قیام ابراز داشتند
و چندین هزار نفر از نظامیان رژیم با اسلحه‌های خود تسلیم
مردم شدند. در عین حال در تمام نقاط شهر شوراهای مردم
ایجاد شدند و در مدرسه "ثاوت" (آرزو) کمیته‌ای تشکیل شد
تحت عنوان کمیته هماهنگی جنبش شوراها، که جمعا" ۵۶ شورا
یا در سطح شهر در برگیرفته بود که بزرگترین آنها عبارت بودند از:

- ۱- شورای "بطلمدیه" (شهرداری - کارگری)
- ۲- شورای "چیمنتو" (شورای سیما)
- ۳- شورای "نطلبصی جاهزه" (شورای پوشاک جاهزه)
- ۴- شورای "جگه رمکه" (شورای دخانیات)
- ۵- شورای "کاسیکارانی بازار" (بازاریان)

از ساعت ۱۲ ظهر روز ۹۱/۳/۸ تعداد زیادی از مزدوران

اخباری از کردستان عراق

عمومی و تجمعات عمومی مردم با رأی مستقیم آنها .

نقشجهت کردستان و سایر سازمانهای سیاسی در جریان فیزش - مردمی .

تنها در روز دوم قیام بود که نیروی پیشمرگ وارد شهر گشته و باز با مشارکت همه جانبه مردم بقایای مراکز نظامی رژیم در اطراف به تصرف مردم در آمده و غنایم بسیاری به دست مردم و پیشمرگان افتاد .

تشکیلاتی بنام "کمیتههای انقلابی" (سرخها) که بسیاری از اعضا و عناصر رادیکال سابق "سازمان کارگران" و نیز "مجمع رنجبران" - (جناحی از اتحادیه میهنی کردستان عراق به رهبری طالبانی) را در بر میگیرد، در همه این رویدادها و در همه شهرهای کردستان عراق و در برپایی شوراها و مردم و رهبری قیام مردم، نقش اصلی و بسیار موثری را ایفا نمودند .

سرانجام در شب ۹۱/۳/۳۰ علیرغم مخالفت شدید رهبری شوراها و مردم و دعوت به مقاومت یکپارچه در برابر حمله نیروهای رژیم، طبق قرار و فراخوان "جلال طالبانی" و گسترش وحشت مردم از خطر بکارگیری اسلحه شیمیایی از جانب نیروهای رژیم (که جماعت طالبانی به آن دامن میزدند) مردم قیام کننده تسلیم فراخوان طالبانی شده و به سوی مرزها حرکت نمودند .

مجموع تلفات مردم و انقلابیون در جنگهای شهر سلیمانیه ۴۲ نفر بوده است . از جانب نیروهای "گارد جمهوری" خانوادههای زیادی در "قره هه بخیر" و "چه مچه مال" از بزرگ و کوچک قتل عام شدند .

□

۱- پل: کوچکترین واحد نظامی است .

بقیه از صفحه ۱۹

اطلاعاتی در باره وضعیت پناهندگان ایرانی در ترکیه (قسمت دوم)

سربازی پس از آتش بس در جبهه‌های جنگ ایران و عراق خودداری کردند و کشورهای کانادا و استرالیا علاوه بر کیسهای سربازی در اغلب موارد پناهندگانی که سابقه عملیات نظامی داشتند و یا به نحوی علاقه خود را به ادامه فعالیت‌های سیاسی ابراز می‌کنند، نمی‌پذیرند. در یکی دو سال گذشته کشور کانادا در بین کشورهای پناهنده‌پذیر بیشترین تعداد پناهنده را مورد پذیرش قرار داده. با فعال شدن هیئت استرالیا در ۶ ماه گذشته، تعداد پناهندگان معرفی شده به استرالیا نیز در حال افزایش است. پناهنده پس از توافق با تقاضای پناهندگی در UN و پس از تکمیل فرم

مالی، منتظر معرفی به هیئتهای پناهنده پذیر می‌شود. بطور عادی این مدت زمان یعنی از قبولی تا معرفی به هیئتها بیش از یکماه و گاهی تا ۶ ماه بطول می‌انجامد. پناهندگانی که فاقد پاسپورت می‌باشند، پس از گرفتن پذیرش از UN در صورت ارائه کارت شناسایی (کیملیک) صادره از سوی پلیس شهرستان محل اقامت به UN، در نوبت معرفی به هیئتها قسراً می‌گیرند که در برخی موارد در صورت عدم پذیرش پناهندگان از جانب پلیس در معرفی اولیه خود، پناهنده پس از قبولی و مراجعات مکرر به UN که گاه تا سه ماه بعد از قبولی نیز طول میکشد، میتواند مجدداً معرفی نامه برای پلیس دریافت کند که در آن صورت از زمان معرفی به پلیس تا تقسیم به شهرستانها و اخذ کارت اقامت (کیملیک) حداقل ۲ ماه دیگر طول میکشد .

انتقال پناهندگان به کشورهای اروپایی ۳-۴ ماه و به کشور کانادا ۶-۸ ماه طول میکشد. در برخی موارد به دلایل مختلف، انتقال پناهنده حتی بیشتر از یکسال به درازا میکشد، کسانی که توسط هیئت يك کشور قبول نشوند به هیئت بعدی معرفی می‌گردند .

با توجه به محدود بودن هیئتهای پناهنده پذیر، اعزام این دسته از پناهندگان به کشورهای ثالث به تأخیر می‌افتد و پناهندگانی وجود دارند که ۴-۵ بار توسط هیئتهای گوناگون رد شده و اکنون در بلاتکلیفی بسر می‌روند .

حق انتخاب کشور، جهت اقامت دائم برای پناهندگان قبولی امکان پذیر نیست و کسانی که دارای وابستگی درجه يك در سایر کشورهای پناهنده-پذیر باشند، معمولاً نمیتوانند به آن کشور منتقل شوند در این رابطه UN برخلاف مصوبات قانونی کنوانسیون ژنو عمل می‌کند. در سالهای گذشته بدلیل اعزام هیئتهای اروپایی حتی دو بار در سال به ترکیه، پناهندگانی که دارای اقوام درجه يك در کشورهای پناهنده پذیر بودند میتوانند از UN درخواست کنند تا مراجعه هیئت کشور فوق به ترکیه از معرفی آنها به سایر هیئتها خودداری کند. ولی بعلمت عدم اعزام هیئت از کشورهای

اروپایی از ژانویه ۹۰ تاکنون (فوریه ۹۱) به استثناء هیئتهای نروژ و فنلاند آنها یکبار در سال ۹۰، اکثر پناهندگانی که دارای وابستگی درجه يك در کشورهای اروپایی هستند نمیتوانند به آن کشورها منتقل شوند و UN نیز از هر گونه همکاری با پناهندگان در این مورد خودداری می‌کند. تنها تعداد بسیار معدودی از این گروه پناهندگان پس از اینکه اقوامشان در کشورهای اروپایی با استخدام وکیل و مراجعه به دانگستری و بر نمودن فرم الحاق خانواده و سایر ادارات ذي ربط بعد از مدت‌ها دوندگی و پشت سر نهادن مراحل بوروکراتیک سیستم اداری سرمایه‌داری، توانستند برای آنها پذیرش بگیرند، و موفق به انتقال به کشورهای محل سکونت وابستگی درجه يك خود شدند .

ادامه دارد

معرفی یک شکل نوپای پناهندگی در سوئد

در ژانویه سال ۱۹۹۱، عطای از پناهندگان ایرانی در سوئد با هدف دفاع از حقوق پناهندگی و همچنین حمایت از مبارزات مردم زحمتکش ایران، اقدام به تأسیس تشکیلی به نام اتحادیه سراسری پناهندگان ایرانی - سوئد نمودند.

ما ضمن تبریک به این رفقا که نسبت به سرنوشت خود و همسران و فرزندان نمی‌خواهند بی‌تفاوت باقی بمانند و خواهان دخالت عملی در جهت احقاق حقوق پناهندگان و دفاع از مبارزات مردم ایران می‌باشند، امیدواریم در پروسه حرکت مشترک، شاهد همکاری‌های نزدیک و تنگاتنگی بین کمیته همبستگی با مبارزات مردم ایران-هانوفر و اتحادیه سراسری پناهندگان ایرانی- سوئد باشیم.

در اینجا برای آشنایی خوانندگان پویش با اهداف این تشکیلی، اسانامه آن را عیناً به چاپ می‌رسانیم. در ضمن کسانی که علاقمند به رابطه با این تشکیلی میباشند، می‌توانند با آدرس زیر تماس حاصل نمایند :

UNION OF IRANIAN R.T.S.

BOX 2037

12202 ENSKEDE

Schweden

اسانامه اتحادیه سراسری پناهندگان ایرانی- سوئد

بند اول - تعریف : اتحادیه سراسری پناهندگان ایرانی تشکیلی است که جهت دستیابی به اهداف زیر مبارزه میکند .

بند دوم - اهداف :

- ماده ۱- مبارزه تام و تمام بر علیه قوانین ضد پناهندگی و حمایت همه جانبه از مبارزات پناهندگان در برابر اجحافات، تعسقات و محدودیتهای غیر انسانی مجلس و بین المللی که به پناهنده روا می شود و تلاش در جهت تحقق خواستههای صنی و سیاسی پناهندگان .
- ماده ۲- تسهیل امر پناهندگی و بکارگیری خدمات حقوقی و مشاوره‌ای برای کمک به متقاضی پناهندگی و آشنا نمودن آنان به قوانین و مقررات مجلس و بین المللی در محدوده مسائل پناهندگی .
- ماده ۳- مبارزه بر علیه پدیده نژاد پرستی و همکاری با سازمانها و تشکیلهای مترقی سایر ملتها در جهت نشان دادن سبای واقعی پناهنده و پناهجو و مشکلاتی که آنان در کشور محل اقامت خود با آن روبرو هستند .
- ماده ۴- حمایت از مبارزات مردم زحمتکش ایران علیه رژیم جمهوری اسلامی و همبستگی با زندانیان سیاسی و تمریف نحوه اعمال سیاستهای جمهوری اسلامی که باعث آوارگی ایرانیان می باشد .
- ماده ۵- حمایت از مبارزات کارگران در سطح بین المللی و اتحاد با آنان در مسود خواستههای مترقی شان مانند کاهش ساعات کار، اضافه دستمزد و غیره که مستقیماً بر زندگی اقتصادی پناهنده تاثیر دارد . اتحادیه سراسری پناهندگان ایرانی می تواند در جهت تحقق اهداف یاد شده با کلیه مراجع مربوط و سازمانهای مترقی مجلس و بین المللی ارتباط برقرار کند و با آنها همکاری کرده و کمک بجوایند .

بند سوم - تعریف :

ماده ۱- الف - تعریف صریح : کلیه کسانی که پناهنده هستند (و یا متقاضی پناهندگی) و اسانامه اتحادیه را می پذیرند و در جهت اهداف آن فعالیت کرده و حق صحبت بپردازند

- می تواند صورت اتحادیه باشد .
 - ب - دارا بودن حداقل ۱۸ سال تمام .
 - پ - اتحادیه از قبیل صورت امرادی که در ارگانهای سرکوب و جاسوسی رژیم قبل و جمهوری اسلامی بوده‌اند و یا با آنها همکاری داشته یا دارند ، جدا احتراز می نماید .
 - ماده ۷- وظایف اعضا :
 - الف - پیشبرد اهداف اتحادیه و تسهیل پناهندگان به صورت در تشکیلی
 - ب - پررخت حق ضمیمه ماهانه بصیغه ۱۲۰۰۰۰ (بصیغه حساب ۰۰۰۰۰)
 - پ - برخورد فعال نسبت به وظایفی که در محل اقامت اتفاق می افتد و گزارش آن به دایره روابط صوی .
 - ت - سازماندهی پناهندگان برای شرکت در حرکتیهای اعتراضی .
 - ماده ۸- حقوق اعضا :
 - الف - کلیه اعضا از حقوق برابر برخوردارند ، هر صی حق دارد آزادانه انتخاب نماید و انتخاب شود .
 - ب - کلیه اعضا حق دارند در جلسات صوی و دیگر جلسات اتحادیه شرکت نمایند ، ابراز عقیده کنند و انتخابات و پیشنهادات خود را مطرح نمایند .
 - بند چهارم ارگانهای اتحادیه
 - ماده ۹- مجمع صوی : مجمع صوی بالاترین ارگان تصمیم‌گیری اتحادیه می باشد . مجمع صوی هر یکسال یکبار تشکیل میگردد .
 - ماده ۱۰- حضور : نمایندگان واحد های اتحادیه برای تشکیل مجمع صوی ضروری می باشد . (هر یک نفر یک نماینده)
 - ماده ۱۱- مجمع صوی فوق العاده با درخواست اعضا و یا شورای مرکزی تشکیل میگردد .
 - ماده ۱۲- مراخوان برای تشکیل مجمع صوی توسط شورای مرکزی یک ماه قبل از برپایی مجمع صوی صورت میگیرد .
 - ماده ۱۳- وظایف مجمع صوی
 - الف - بررسی عملکردها و فعالیتهای واحد ها طی یکسال گذشته .
 - ب - بررسی فعالیتهای شورای مرکزی که توسط گزارش اعضا بصیغه مجمع صوی تسلیم میگردد .
 - پ - تصویب تغییرات در اسانامه .
 - ت - تصویب روند فعالیتهای یکسال آئده اتحادیه .
 - ث - انتخاب شورای مرکزی بندت یکسال .
 - تیسره - کلیه صویات توسط رای محمی و بصیغه صورت میگیرد ، کلیه تصمیمات با تصویب نمایندگان قابل اجرا می باشد .
 - ج - کلیه تصمیمات مجمع صوی برای کلیه اعضا واحد ها لازم‌الاجرا است .
- شورای مرکزی
- ماده ۱۴- ا - شورای مرکزی پس از مجمع صوی بالاترین ارگان اتحادیه بوده که هدایت و اجرای اهداف اتحادیه و تصمیمات مجمع صوی را عمده داری می باشد .
 - ماده ۱۵- ا - شورای مرکزی دارای ۰۰۰۰۰۰ ضواصلی و ۰۰۰۰۰۰ صواصلی می باشد .
 - ماده ۱۶- ا - وظایف شورای مرکزی
 - الف - تشکیل مجمع صوی .
 - ب - ایجاد بخشهای لازم برای پیشبرد اهداف اتحادیه .
 - پ - انتشار ارگان اتحادیه .
 - ت - شرکت در جلسات دیگر تشکیلهای مترقی پناهندگی .
 - ث - برگزاری صاحبهای مطبوعاتی .
 - ج - تعیین سخنگو و نماینده برای شرکت در مجامع صوی .
 - ماده ۱۷- ب - بخشهای شورای مرکزی : شورای مرکزی جهت تسریع فعالیتها و عدم تداخل کاری بین اعضا از بخشهای زیر تشکیل میگردد .
 - ۱- بخش مالی
 - ۲- بخش انتشارات و توزیع
 - ۳- بخش حقوقی و مشاوره‌ای
 - ۴- بخش روابط صوی و ارتباطات
 - واحد های اتحادیه : واحد های اتحادیه ، ارگانهای پایه‌ای اتحادیه میباشند که در محل اقامت اعضا تشکیل میگردد .
 - ماده ۱۸- ا - وظایف واحد ها :
 - الف - ارتباط با پناهندگان و بررسی مشکلات آنان و گزارش آن به مسئولین روابط صوی -

معرفی یک شکل نوپای پناهندگی در سوئد

چنانچه صبی از اعضاء اتحادیه به هنگام معاینات به مشکل و ابهامی برخورد نماید می بایست برای رفع ابهام و تکلیف مستقیماً با مسئولین شورای مرکزی تماس حاصل نماید - شورای مرکزی مسئولیت حل مسائل فوق‌الذکر را عهده داری باشد - بر همین اساس چنانچه هر یک از اعضاء اتحادیه به با تسخیر و تخریب شخصی از معاد اساسنامه به سوئد رفتار مینماید - توضیح و حمایر مطالبین و موکلین اتحادیه به پیوسته است - شورای مرکزی طرفی به تملیق صورت مرد مذکور تا تشکیل مجمع عمومی خواهد بود -

بند پنجم - انحلال اتحادیه ؛

ماده ۲۱ - بنا بر تصمیم $\frac{2}{3}$ اعضاء اتحادیه این شکل بر پایه مراخوان عمومی منحل میگردد -

این اساسنامه شامل پنج بند و ۲۱ ماده می باشد -

B

ب - رفع مشکلات پناهندگان در چهارچوب اهداف اتحادیه و مبارزه می آنان برای حرکتی اعتراضی -

پ - فعالیت برای ایجاد امکانات فانی جهت نجات اتحادیه ؛

ت - بخش انتشارات اتحادیه در میان پناهندگان و در مجامع عمومی -

ث - ارسال گزارش به شورای مرکزی -

ماده ۱۰ - شرایط استعفا ؛

هر یک از اعضاء اتحادیه چنانچه مایل به استعفا باشد می بایستی اساسنامه خود را ۸۱ ساعت قبل از ترک فعالیت به روابط عمومی تسلیم نماید -

ماده ۲۰ - شرایط اخراج

دولت سوئد پناهجویان ایرانی را از طریق ترکیه به رژیم ایران پس میدهد

آخرین آمار نشان میدهد که ۴۵۰۰ نفر در معرض اخراج قرار دارند -

در پارهای از کمیتهای پناهندگی، پناهجویان در جهت دفاع از حقوق پایمال شده خود، اقدام به تحصن و اعتصاب غذا در کلیساها و یا در مقابل دفاتر روزنامهها نموده‌اند، که در ایمن باره می‌توان از اعتراضات وسیعی که در کمیتهای ترانسو، بیون و هوفوش در مقابل دستگیری سه خانواده ایرانی ساکن این کمیته صورت گرفت نام برد - در هوفوش ۱۲ نفر به مدت ۵ روز اعتصاب غذا کردند، همچنین خانوادههای دستگیر شده مستقر در بازداشتگاه ایکس در اعتراضی به اخراج خود بیش از یک هفته در اعتصاب غذای کامل به سر بردند -

در قسمت دیگری از این گزارشات می‌خوانیم:

"یک خانواده از سه خانواده مستقر در بازداشتگاه ایکس در کمپ کارسلون پس از ۱۰ روز اعتصاب غذا و در شرایط بسیار بد روحی و جسمی، از طریق ژنو و با همان شیوه عملکرد در فرودگاه استانبول، تحویل گارد هواپیمای جمهوری اسلامی داده شد و - تا تاریخ (۹۱/۴/۱۵) کوچکترین اطلاعی از سرنوشت آنها در دست نیست"

□

در طی دو ماه اخیر نامهایی از سوی، اتحادیه سراسری پناهندگان ایرانی- سوئد، دریافت داشتیم که توسط آنها گزارشی از تعرض باز هم بیشتر دولت سوئد به حقوق پناهندگان در اختیار ما قرار گرفته است -

بنا به این گزارشات دولت سوئد در یک عمل هماهنگ و محرمانه با دولت‌های ارتجاعی جمهوری اسلامی و ترکیه و مغایر با قوانین حقوق بشر، اقدام به اخراج و استرداد پناهجویان نموده است - پلیس سوئد به برخی از منازل و محلهای مسکونی پناهجویان یورش برده و تعدادی از پناهجویان را دستگیر کرده است - و در مورد پناهجویان ایرانی با توجه به پروازهای هواپیمایی جمهوری اسلامی در روزهای شنبه و چهارشنبه هر هفته از استانبول به تهران، آنان را از طریق آلمان و اطریش به فرودگاه استانبول انتقال داده و سپس با همیاری و کمک پلیس ترکیه، مستقیماً آنان را به پاسداران (گارد) موجود در هواپیمای جمهوری اسلامی تحویل میدهند -

در بخش دیگری از این گزارشات می‌خوانیم:

تشدید تضییق حقوق پناهندگی و اخراجهای بی‌رویه، فضای متشنج و غیر عادی را بر زندگی پناهندگان در غالب کمیتهای پناهندگی حاکم نموده است -

برای احقاق حقوق پناهندگان و مهاجرین متشکلاً مبارزه کنیم !

طرح مشترک آلمان و فرانسه برای "همکاری امنیتی - سیاسی" دول بازار مشترک

مقدمه:

در شماره پیش بخشهایی از مصاحبه‌های چهار تن از تئوریسینها و مشاورین سیاسی کشورهای ایالات متحده (زیگنورزینسکی)، آلمان (هورست تلچیک)، فرانسه (ژاک آتاله) و شوروی (الکساندریاکولف) در مورد تحولات بین‌المللی را منتشر کردیم.

در این شماره نیز بخشی از طرح پیشنهادی وزرای خارجه آلمان و فرانسه برای "همکاری امنیتی-سیاسی" را که در کفرانس نمایندگان دول عضو جامعه اروپا (EG) ارائه شده، از نظرستان می‌گرد. این طرح بویژه از این زاویه اهمیت دارد که دولتهای آلمان و فرانسه عملاً نقش رهبری جامعه اروپا را به عهده دارند و مواضع و نقطه نظرات ایشان می‌تواند تأثیراتی بساختار بین‌المللی جهان برجای بگذارد.

ترجمه این طرح از ماهنامه آلمانی زبان

europäische Zeitung مورخ مارس ۹۱ صورت گرفته است.

عبارات داخل () و یادداشتهای آخر متن برای سهولت درک مطلب آمده است.

نقشه و اهداف عمومی

الف- اتحاد سیاسی و دولتهای عضو آن (۱) سیاست خارجی و امنیتی مشترکی (س.خ.۰م) اتخاذ می‌کنند. این سیاست خارجی و امنیتی مشترک (س.خ.۰م) اساساً "بهرتر است تمامی عرصه‌های روابط خارجی را در برگیرد.

ب: س.خ.۰م معطوف بر این است که توجه خارج (سایر کشورها) را به مصالح بنیادین و ارزشهای مشترک اتحاد سیاسی جلب نماید. س.خ.۰م بویژه می‌بایست نسبت به افزایش امنیت دولتهای عضو، برقراری صلح و ثبات بین‌المللی؛ تکامل روابط مودت‌آمیز با همه کشورها؛ پشتیبانی از دموکراسی، دولت حق و توجه به حقوق بشر و تکامل اقتصادی همه ملتها، ادا سهم کند.

ب- در نتیجه برای (اتخاذ) یک سیاست امنیتی مشترک:

۱- اتحاد سیاسی بهتر است در چارچوب س.خ.۰م. به سیاست امنیتی واحدی دست یابد، با این هدف که بالاخره (سیستم) دفاع اروپایی مشترکی بوجود آید. (زیرا) بدون این امر، تحقق اتحاد سیاسی ناکامل باقی می‌ماند.

۲- این امر به معنی آنست که محدودیت قید شده در ماده ۲۰، بند ۶ الف سند اتحاد اروپایی (۲) (مبنی بر) "جنبه‌های

سیاسی و اقتصادی امنیت"، از میان برداشته شود. (۳)

۳- به وظایفی که اعضا در پیمان آتلانتیک شمالی (ناتو) بسر عهده دارند، نیابستی لطمه‌ای وارد شود.

۴- پیمان آتلانتیک شمالی و ادامه حضور نظامی ایالات متحده آمریکا در اروپا، همچنان برای امنیت و ثبات اروپا غیر قابل چشم پوشی است.

۵- امکانات اتحاد اروپای غربی (WEU) (۴) بهتر است مورد استفاده قرار گیرد. WEU می‌بایست کانالی بشود که از طریق آن اتحاد سیاسی و همکاری در ناتو و از این راه تقویت متقابل ساختار امنیتی اروپایی و آتلانتیکی تأمین گردد. رابطه قید شده در قرارداد WEU با ناتو، بهتر است متناسب با روند تکامل سیاست امنیتی اروپایی تنظیم شود.

۶- بهتر است دستوردهای WEU حفظ شوند: WEU دارای قرار-دادی پایبندی همراه با وظایف دفاعی متقابل روشن و (دارای) سازمانی است (مرگب از) نمایندگان سیاست خارجی و دفاع در پلانترم سال ۱۹۸۷ نقش WEU به منزله سازمان دفاع اروپایی در راه هدف اتحاد اروپا عنوان شده است.

۷- پیمان آتلانتیک (ناتو) می‌بایست در مجموع از طریق افزایش نقشی و مسئولیت اروپایی‌ها در سیاست امنیتی و دفاعی، تقویت گردد. متناسب با آن بهتر است هویت امنیتی و دفاعی اروپایی از طریق ایجاد یک ستون اروپایی در پیمان (آتلانتیک) ابراز شود. از اینرو ضروری است که هم تکامل مؤلفه‌های امنیتی اتحاد (سیاسی) و هم دگرگونی سیاسی متناسب با آن در پیمان (آتلانتیک) در ارتباطات متقابلشان مورد نظر قرار گیرد.

طرح مشترک آلمان و فرانسه برای همکاری امنیتی - سیاسی دول بازار مشترک

یادداشتها:

۱۷ مارس ۱۹۴۸ کشورهای انگلستان، بلژیک، فرانسه، لوکزامبورگ و هلند، یک قرارداد نظامی امضا کردند که به پیمان بروکسل معروف شد.
۶ سال و هفت ماه بعد، در ۲۳ اکتبر ۱۹۵۴، کشورهای آلمان غربی و ایتالیا نیز به این پیمان پیوستند و این پیمان به اتحاد اروپای غربی (WEU) تغییر نام داد.
WEU در درجه اول یک پیمان نظامی است که وظایف آن به ناتو انتقال یافته و ناتو فرماندهی کل آنها به عهده دارد. نشستهای آن در پاریس و لندن برگزار میشود و در حال حاضر به مثابه ارگانی برای "تقویت ستون اروپایی ناتو" عمل میکند.

۱- منظور از "اتحاد سیاسی و دولتهای عضو آن"، در واقع همان جامعه اروپا و چشم اندازی است که اعضای آن برای جامعه اروپا در نظر دارند. دستیابی به "اتحاد سیاسی" هدف نهایی است که ۱۴ دولت عضو جامعه اروپا برای خود قائل هستند.
طرح مشترک وزرای خارجه آلمان و فرانسه درباره "همکاری امنیتی - سیاسی" نیز به عنوان جزئی از این "اتحاد سیاسی" ارائه شده است.

۲- سند اتحاد اروپایی:

(Einheitsliche Europäische Akte - EEA)
سند اتحاد اروپایی در فوریه ۱۹۸۶ توسط نمایندگان ۱۲ دولت عضو جامعه اروپا (EG) به امضا رسید. هدفی که این سند جلوی خود قرار داده تحقق "اتحاد سیاسی" کشورهای عضو جامعه اروپاست.

از جمله نکاتی که در این سند قید شده عبارتند از:

- به سرانجام رساندن بازار داخلی اروپا تا پایان سال ۱۹۹۲
- گسترش همکاری دولتهای جامعه اروپا در زمینه سیاست پولی و اقتصادی (از جمله دستیابی به یک سیستم ارزی واحد اروپایی)
- اتخاذ سیاست واحد در زمینههای تحقیقاتی، تکنولوژیکی و حفاظت از محیط زیست

- تغییراتی در زمینه قانون گذاری در جامعه اروپا و رابطه ما- بین شورای وزیران و پارلمان اروپا
- قرارداد بنیاد تشریک ساعی دولتهای عضو در زمینه سیاست خارجی بر پایه "حقوق ملتها"

۳- در ماده ۳۰، بند ۶ الف سند اتحاد اروپایی، از جمله قید شده که اعضای جامعه اروپا برای افزایش همکاری در "جنبههای سیاسی و اقتصادی امنیت" آمادگی دارند. عبارت مذکور جنبه نظامی "امنیت" را در برنمیگیرد و به طور ضمنی آنها حذف میکند. پیشنهاد دول آلمان و فرانسه مبنی بر حذف این عبارت و ایجاد یک "سیستم دفاع اروپایی" به معنای فراهم آوردن زمینه- ای برای توسعه همکاریهای نظامی در چارچوب جامعه اروپاست.

۴- اتحاد اروپای غربی:

(Westeuropäische Union - WEU) : در تاریخ

پرویش

ماهانامه کمیته همبستگی با مبارزات مردم ایران:

آدرس: Solidaritätsverein
mit iranischen Völkern
Postfach 5311
3000- Hannover 1
West Germany
بها اشتراک:
آلمان
یکماه ۲۸/۸۰ مارک
ششماه ۱۵ مارک
دیگر کشورها
یکماه ۳۱/۲۰ مارک
ششماه ۱۶ مارک
تمام قیمتها با محاسبه هزینه پستی است.
تک فروشی: ۱/۵ مارک

لطفاً برای مکتبه یا ما به تغییر آدرس توجه کنید.

آدرس جدید: Solidaritätsverein mit
iranischen Völkern
Postfach 5311
3000- Hannover 1
W- Germany

گزارشی از برگزاری یازدهمین کنگره جنبش پناهندگان و مهاجرین در آلمان

کنگره یازدهم پناهندگان و مهاجرین با حضور ۲۰۰ نفر در روز جمعه ۳ ماه مه ۱۹۹۱ به مدت ۳ روز در شهر برلین برگزار شد. کنگره کار خود را ساعت ۲۰/۳۰ ضمن خوش آمد-گویی کمیته برگزار کننده به حاضرین با قرائت پیامهای همبستگی نمایندگان پناهندگان و مهاجرین نروژ و دانمارک آغاز کرد.

پس از آن تشکلهای پناهندگان و مهاجرین در برلین و ایالات شرقی آلمان گزارشهای خود را پیرامون وضعیت پناهندگان و مهاجرین قرائت کردند. در این رابطه ۳ گزارش توسط تشکلهای مختلف برلین شرقی و پنج ایالت شرقی آلمان و ۳ گزارش دیگر نیز توسط تشکلهای مختلف برلین غربی ارائه شد.

بعد از آن درباره وضعیت پناهندگان در ایالات هامبورگ و نیدرزاکسن اطلاعاتی به سمع حاضرین رسید. نکتهای که در گزارش نمایندگان هامبورگ جلب توجه نمود، این مسئله بود که دولت این ایالت از اواخر آوریل استرداد آن دسته از کردهای ترکیه که پناهندهگی آنان رد شده را به این کشور آغاز کرده است.

لازم بود جهت مقابله با این اقدام ضدپناهندهگی حرکت مشترک و هماهنگی بین پناهندگان به عمل در آید، از این رو نمایندگان شورای پناهندگان استان نیدرزاکسن با همکاری نماینده کمیته همبستگی با مبارزات مردم ایران، تقاضای ایجاد یک گروه کاری در جهت رسیدگی به مسئله فوق و تنظیم و ارسال تقاضا نامهای برای مجلس آلمان مبنی بر جلوگیری از استرداد کردها (مستقل از کشوری که از آن مهاجرت کردهاند) را مطرح نمود.

این پیشنهاد مورد توافق حاضرین واقع شد. علاوه بر این از سوی کمیته برگزار کننده کنگره پیشنهاد تشکیل ۳- گروه کار دیگر حول موارد زیر به جمع ارائه شد:

۱- نژاد پرستی

۲- قانون خارجیها در آلمان

۳- مسئله خود سازماندهی جنبش پناهندگان و مهاجرین .

اعضای کنگره پیشنهادات فوق را پذیرفتند و حول موضوعات فوق گروههای کاری تشکیل شد.

نماینده ما به همراه دو تن از نمایندگان شورای پناهندگان استان نیدرزاکسن در گروه کار "قانون خارجیها" شرکت نمودند.

در حاشیه لازم به توضیح است که کمیته همبستگی با مبارزات مردم

ایران در سر مقاله پویش شماره ۱۴ هشدار داده بود که دولت آلمان متعاقب اجرای "قانون جدید خارجیها" در ژانویه ۹۱ قصد دارد وسیعاً پناهندهگانی که تقاضای آنها بطور قطعی رد شده را از آلمان اخراج و یا به کشورهایشان پس بفرستد، چرا که اگر تا قبل از تصویب و اجرای این قانون در هر ایالت آلمان، مقررات ویژه‌ای وجود داشت که از اخراج یا استرداد اهالی برخی از کشورها از جمله ایران، لبنان و ۰۰۰ جلوگیری می‌نمود، با اجرای این قانون تمامی قوانین محلی حذف و همه ایالات می‌بایستی بنا به تصمیم دولت فدرال آلمان درباره پناهندگان اقدام کند.

بنابراین از روز اول ژوئیه ۱۹۹۱ پناهندهگانی که تقاضای پناهندهگی شان قطعاً رد شده است، عملاً در خطر اخراج یا استرداد دسته‌جمعی قرار می‌گیرند. این حالت شامل پناهندگان ایرانی نیز می‌باشد. به هر حال با توجه به این مسئله مهم گروه کار "قانون خارجیها" پیشنهاد سازماندهی یک حرکت اعتراضی همزمان و سراسری در آلمان با خواستههای مشترک برعلیه موج وسیع اخراجها را تنظیم و به کنگره ارائه داد.

کنگره حول این موضوع به شور نشست و خوشبختانه روزیکشبه این پیشنهاد به تصویب کنگره رسید و قرار شد که روز ۱۰ ژوئن آکسیونهای اعتراضی در سراسر آلمان با شعارهای مشترک برگزار گردد. در این رابطه کمیته همبستگی ۰۰۰ بعد از تدوین و انتشار فراخوان مشترک اقدام به پخش و ترجمه آن به زبان فارسی خواهد نمود.

همچنین نماینده ما متن یک نامه اعتراضی نسبت به شرایط پناهندگان ایرانی در پاکستان را در کنگره قرائت نمود و از شرکت کنندگان تقاضای پشتیبانی از آن را نمود. این تقاضا مورد توجه اکثریت حاضرین واقع شد تا جایی که بعنوان یکی از قطعنامههای کنگره مورد تصویب قرار گرفت. برای اطلاع بیشتر در این باره به گزارشی که پیرامون فعالیت ما نسبت به فراخوان شورای پناهندگان پاکستان در همین شماره نشریه به چاپ رسیده، مراجعه کنید.

همچنین از طرف یکی از رادیه‌های شرق آلمان صاحبهای سا نماینده کمیته همبستگی ۰۰۰ درباره شرایط عمومی پناهندگان ایرانی در هانوفر و همچنین ریشما و دلایل پناهندهگی ایرانیان صورت

گزارشی از برگزاری یازدهمین کنگره جنبش پناهندگان و مهاجرین در آلمان

اما برگزار کنندگان کنگره هیچکار منظم و مدوی بروی موضوعات پیشنهادی خود برای گروههای گار صورت نداده بودند. مسئله دیگر نیز عدم ارتباط و هماهنگی میان تشکلهای فعال پناهندگان و مهاجرین برلین غربی و همچنین ایالات شرقی آلمان بود. کما اینکه ۶ گزارش از طرف ۶ گروه مختلف شرکت کننده از این مناطقی قرائت شد که هیچگونه هماهنگی بین آنها نبود و این امر در فضای کنگره نمایان بود که هیچگونه همکاری ما بین آنها وجود ندارد.

۶ مه ۱۹۹۱

□

گرفت، که نماینده ما نیز ضمن افشای رژیم جمهوری اسلامی دلیلی اصلی پناهندگی ایرانیان را سیاستهای خفقانی، سرکوب و گشتار جمهوری اسلامی عنوان کرد و آنگاه به تشریح وضعیت پناهندگان ایرانی در هانوفر پرداخت. کنگره در ساعت ۱۴/۵ روز یکشنبه ۵ مه ۱۹۹۱ به کار خود خاتمه داد. در پایان بد نست اشاراتی نیز به دو نقطه ضعفی که در کار کنگره و تشکلهای پناهندگی به چشم میخورد، بکیم. با وجودیکه کنگره به لحاظ تکنیکی و تدارکاتی بسیار خوب سازماندهی شده بوه

فعالیت ما در جهت فراخوان شورای پناهندگان ایرانی در پاکستان

متن نامه اعتراضی از طرف دو تن از اعضای شورای پناهندگان استان نیدرزاکسن و نماینده کمیته همبستگی ۰۰۰ به زبان آلمانی تهیه گردید که ترجمه آن به شرح زیر است:

به صلیب سرخ بین المللی
به کمیساریای پناهندگی سازمان ملل در اروپا
به کمیساریای پناهندگی سازمان ملل در پاکستان
به دولت آلمان

ما از شما میخواهیم که به یاری ایرانیان پناهنده در پاکستان بشتابید! درمد بالای خودکشیا (اخیرا) دوتن در تاریخ ۹۱/۳/۳۱ در اداره مشاورتی Tech - ۷ رگ دست خود را - زدنند) آشکارا نشان میدهد که تحت چه شرایطی این انسانها ناچارند زندگی کنند.

ما شدیداً رفتار و بیانات رئیس "UNHCR" آقای "ساف" را محکوم میکنیم، (که گفته است) "ایرانیان پناهنده باید به اسلامآباد بروند و در آنجا منتظر شوند تا وضع ایران خوب بشود و به کشورشان برگردند".

علاوه براین ما سستی و تعلل در امور مهاجرت پناهندگان را که غالباً زمان آن حتی به ۳-۴ سال میرسد را محکوم میکنیم. علاوه براین ما عملکرد "UNHCR" در رابطه با وضعیت فاجعهمبار پزشکی و مادی و نیز بیعملی پلیس در رابطه با حملات دائمی گروههای ترور حکومت ایران (برعلیه پناهندگان) را محکوم میکنیم.

بقیه
از صفحه ۱



کمیته همبستگی با مبارزات مردم ایران به محض دریافت فراخوان آنرا باز تکثیر و بین پناهندگان ایرانی توزیع نمود و نسخههایی از فراخوان را برای پارهای از تشکلهای ایرانی ارسال نمود. در عین حال اقدام به ترجمه فراخوان به زبان آلمانی نمود و نماینده کمیته همبستگی ۰۰۰ فراخوان مذکور را در جلسه شورای پناهندگان استان نیدرزاکسن قرائت نمود. شرکت کنندگان در جلسه پیشنهاد نمودند که برپایه فراخوان فوق یک نامه اعتراضی تدوین و تلاش شود که این نامه اعتراضی به تصویب کنگره سراسری جنبش پناهندگان و مهاجرین آلمان (که قرار بود ۳ تا ۵ مه در برلین تشکیل گردد)، رسیده و حمایت و پشتیبانی گروههای شرکت کننده در کنگره نسبت بدان جلب گردد.

فعالیت ما در جهت فراخوان شورای پناهندگان ایرانی در پاکستان

و گروههای ترور رژیم ایران
اجازه سفر به خارج از پاکستان و پذیرش پناهندگان ایرانی
در کشورهای اروپایی، به خصوص برای آن دسته از آنان که
سالمات در پاکستان در انتظار بسر میبرند، هستیم!
این نامه اعتراضی در کنگره یازدهم پناهندگان و مهاجرین به تصویب
رسید و همچنین مورد حمایت تعداد زیادی از تشکلهای و گروهها
قرار گرفت که نام آنها را در زیر می‌آوریم.

بنظر ما باید با توجه به موقعیت مشکلی که در اماکن پناهندگی
در پاکستان وجود دارد، در آنجا حقوق بشر کاملاً مورد توجه
قرار گیرد.
ما خواهان:
تأمین امکانات مادی و پزشکی برای پناهندگان بوسیله
سازمان ملل
تأمین و حفاظت از پناهندها در مقابل هجوم پلیس

Verabschiedet vom 11. Bundeskongreß der Flüchtlinge und
ImmigrantInnen am 03.05.1991 in Berlin

Andere Unterstützer:

Solidaritätsverein für iranische Völker - Flüchtlingshilfe e.v.
Braunschweig - Förderverein Niedersächsisches Flüchtlingsrat -
Asyl e.v. Hildesheim - Antirassismuskomitee Oldenburg - IIK
Hannover - Gesellschaft zur Unterstützung von Gefolterten und
Verfolgten - Aktion Gemeinwesen Beratung e.v., Düsseldorf
Interkulturelle Treffpunkt "GRENSENLOS", Berlin - Bürgerinititive
ausländischer Arbeitnehmer, Hamburg - Roma Union, Berlin - Asyl
e.v. Berlin - Eritreischer Jugend- und Kulturverein, Berlin -
Arbeitskreis Asyl Oldenburg - Landes Arbeitsgemeinschaft der
Flüchtlinge und ImmigrantInnen (Grünen)

□

"کوچ سرخ"

دیگر بار کوچ کردی

از این سوی سرزمینت به آن دیگر سوی خاکت
تو در شاهراه تاریخ ایستادهای چند هزار ساله شدی

تاریخ تو، تاریخ کوچ سرخ است

و اینبار نیز آسمان سرزمینت را

با دود باروت انباشتند

و در وهم خویش به گمان پنداشتند

که دیگر توان ایستادنت نیست

خستگی توانت را ربوده است

فرتوت گشتی و پایمال خواهی شد

دشمنانت به عیب می‌پندارند

و به پندار خویش
چه بیهوده سرخوشند

تو ایستادهای هنوز برغور و با صلابت

چونان قندییل (۱)

که با قلمهای سرافرازش در زیر این همه بیداد پابرجاست

۱- قندییل نام کوهی است در کردستان آوریل ۹۱ - رحمان

□

اطلاعاتی در باره وضعیت پناهندگان ایرانی در ترکیه (قسمت دوم)

تا سپتامبر ۱۹۹۰، پناهندگان پس از معرفی خود به UN برای مصاحبه با وکلای UN با ارائه تقاضای پناهندگی و طرح بیوگرافی خود، وقت تعیین میشد که این نوبت برای مصاحبه بعثت تعداد معدوم این وکلا (حداکثر ۵ نفر) با در نظر گرفتن تعداد پناهندگان مراجعه کننده در ایام مختلف ((این تعداد شامل پناهندگان کشورهای اروپای شرقی، عراقیا و برخی کشورهای افریقایی مانند سومالی و کشورهای آسیایی از جمله سریلانکا نیز میشود)) حداقل يك هفته پس از اولین مراجعه و گاهی بعثت تراکم مراجعت کنندگان تا بیش از ۲ ماه طول میکشد. UN از ماه سپتامبر ۹۰، برای متقاضیان پناهندگی بلافاصله پیش مصاحبه‌ای را ترتیب میداد و بعد از آن برای مصاحبه اصلی زمان مشخصی را تعیین می نمود. از اوایل ماه فوریه سال جاری بعثت کاهش چشمگیر تعداد مراجعین به UN (احتمالا" بعثت بروز بحران خلیج فارس و امکان ورود ترکیه به جنگ) پیش مصاحبه‌ای انجام نمیگردد و از فرد مراجعه کننده بلافاصله مصاحبه میشود.

مصاحبهها ضوابط و چهار چوب مشخص ندارند. اطاق مصاحبه، بشکل سلول کوچک زندان انفرادی است که فضای اطاق بازجویی پلیس را تداعی میکند: نور کم اطاق و مجهز بودن به دوربینهای تلویزیون مدار بسته در اطاقی دیگر که توسط یکی از کارمندان UN کنترل میگردد، مصاحبه از طرف وکلا (نه به عنوان وکیل مدافع بلکه بعنوان بازجوی پلیس و مصاحبه شونده بعنوان متهم) با استفاده از روشهای فشار روانی برای بر هم زدن تعادل روانی پناهنده و اادار نمودن او به تناقضگویی میباشد. در صورت ارائه کیسی بدون تناقض و اصطلاحا" UN پسند، از طرف پناهنده و پاسخ های مناسب به سؤالات کلیشهای وکلا و ارائه مدارک کافی معمولاً قبولی و پذیرش پناهنده منوط به مدت زمان ارسال تأییدیه از جانب گروههای سیاسی و یا اقلیتهای مذهبی (با توجه به نوع کیس ارائه داده شده از جانب متقاضی پناهندگی) حدود يك ماه پس از انجام مصاحبه، پذیرش پناهنده اعلام میگردد. در مواقع عادی بعثت مختلف، اعلام نتیجه مصاحبهها به بیش از یکماه و گاه حتی تا ۶ ماه بطول میانجامد. چنانکه اگر متقاضی پناهندگی در مصاحبه اول پذیرفته نشود برای مصاحبه دوم، از UN نوبت دریافت میکند که در صورت عدم قبولی در دومین مصاحبه، بیرونده وی در UN بایگانی میشود و بازگشایی مجدد پروندههای بسته شده در حالت معمولی، بیش از ۶ ماه بطول میانجامد. اگر متقاضی در مصاحبه سوم ردشود بازگشایی پرونده تقریباً امکان ناپذیر است. در بعضی موارد پروندههای بسته شده اصلاً بازگشایی نمیگردند، پس از بایگانی پرونده، پناهنده باید راه دیگری برای خروج از ترکیه و اخذ پناهندگی جستجو کند.

تا اوایل سال ۱۹۸۸ کلیه پناهندگان و تا اواسط سال ۱۹۸۹ پناهندگانی که از طریق قاچاق وارد ترکیه شده و خود را به UN معرفی می کردند بلافاصله فرم مالی ((R.O.F)) تنظیم و مورد حمایت مالی UN قرار میگرفتند و سایر پناهندگان که به همراه پاسپورت خود را به UN معرفی می کردند پس از قبولی، فرم (R.O.F) را تکمیل نموده و مورد حمایت مالی UN قرار میگرفتند. از اواسط سال ۸۹ پرداخت کمک هزینه به افرادی که بطور قاچاق وارد ترکیه شده بودند متوقف شد و حمایت مالی از آنها منوط به اخذ قبولی از UN شد. در موقع تکمیل فرم (R.O.F) پناهنده مجبور است با مسئول امور مالی UN مصاحبه مالی انجام دهد، در صورتی که طبق محاسبات UN پناهنده از نظر مالی وضعیت مناسبی نداشته باشد، یا اقوام و دوستانی در کشورهای اروپایی و آمریکایی داشته باشد، به عناوین مختلف پرداخت کمک هزینه را به تأخیر میاندازد که این مصاحبهها روز بروز پیچیدتر میشود و پرداخت کمک هزینه به پناهندگان بیشتر به تأخیر میافتد. حتی در يك مورد مشخص در ماه اکتبر سال ۹۰ UN برای محاسبه امکانات زیستی و توان مالی پناهندگان، اقدام به تفتیش منازل نموده که با اعتراض شدید پناهندگان و انجام اکسیون اعتراضی پناهندگان در تاریخ ۶-۱۱-۹۰ روبرو گردید. و در اعتراض به این عمل UN از ادامه تفتیش منازل چشم پوشید.

در شرایط فعلی معمولاً پرداخت کمک هزینه به پناهندگان ۲-۳ ماهه به تأخیر میافتد و در صورتیکه UN وضعیت مالی پناهنده را مساعد تشخیص دهد پرداخت کمک هزینه به ۵-۶ ماه پس از قبولی موکول میشود. کمک هزینه پرداختی به پناهندگان متناسب با سطح مخارج حداقل پناهندگان نیست، بطوریکه عموم پناهندگان با کمک هزینه پرداختی UN قادر به تأمین حداقل هزینههای ابتدایی زندگی خود نمیباشند. UN سالانه یکبار ۵۰٪ کمک هزینه پرداختی به پناهندگان را افزایش میدهد، حال آنکه ((طبق آمار مندرج در دایرة المعارف " ANA-Britannica " صفحه ۱۶۸- چاپ سال ۱۹۹۰ به زبان ترکی)) نرخ تورم کالاهای مصرفی در ترکیه سال ۱۹۸۷ معادل ۲۸/۹٪ سال ۱۹۸۸ معادل ۲۵/۴٪، سال ۱۹۸۹ معادل ۲۳/۳٪ و برابر نرخهای اعلام شده از سوی انستیتو دولتی آمار ترکیه، نرخ تورم در سال ۱۹۸۸ بیش از ۷۰٪، در سال ۱۹۸۹ تقریباً ۶۵٪ و در سال ۱۹۹۰ معادل ۶۰/۴٪ بوده است.

لازم به توضیح است که نرخهای تورم اعلام شده از سوی دولت، معمولاً بسیار پائین تر از نرخهای تورم واقعی در جامعه است. طبق آمارهای

اطلاعاتی در باره وضعیت پناهندگان
ایرانی در ترکیه (قسمت دوم)

(انگسار و شهرنانهها)

نمعداد	مارس ۹۰ تا ژانویه ۹۱	ژانویه ۹۱ تا کوسون	مزان افرایش
۱-نفره	۲۴۰/۰۰۰ لیرترک	۲۰۰/۰۰۰ لیرترک	%۲۵
۲-نفره	۲۶۷/۰۰۰ لیرترک	۲۶۰/۰۰۰ لیرترک	%۲۵
۳-۴ نفره	۴۵۰/۰۰۰ لیرترک	۴۳/۰۰۰ لیرترک	%۲۵
۵-۶ نفره	۵۴۰/۰۰۰ لیرترک	۴۷۵/۰۰۰ لیرترک	%۲۵

وجود، افزایش سالیانه كك هزینه UN هیچگونه تناسبی با تورم قیمت‌ها نداشته و روز بروز از قدرت خرید پناهنده كاسته میشود و برای تأمین حداقل مخارج زندگی در تنگنا قرار میگردد.

نمعداد	مارس ۸۸ الی مارس ۸۹	مارس ۸۹ الی مارس ۹۰	مزان افرایش
۱-نفره	۱۷/۰۰۰ لیر ترک	۱۴۰/۰۰۰ لیر ترک	%۲۴/۳
۲-نفره	۱۳۸/۰۰۰ لیر ترک	۲۰۰/۰۰۰ لیر ترک	%۲۴/۹
۳-۴ نفره	۱۷۳/۰۰۰ لیرترک	۲۵۰/۰۰۰ لیر ترک	%۲۴/۵
۵-۶ نفره	۲۰۷/۰۰۰ لیر ترک	۳۰۰/۰۰۰ لیر ترک	%۲۴/۹

شهرنانهها

نمعداد	مارس ۸۸ الی مارس ۸۹	مارس ۸۹ الی مارس ۹۰	مزان افرایش
۱-نفره	۱۱۰/۰۰۰ لیر ترک	۱۶۰/۰۰۰ لیرترک	%۴۵/۶
۲-نفره	۱۶۰/۰۰۰ لیر ترک	۲۴۵/۰۰۰ لیرترک	%۵۳/۱
۳-۴ نفره	۱۹۵/۰۰۰ لیر ترک	۳۰۰/۰۰۰ لیر ترک	%۵۳/۸
۵-۶ نفره	۲۳۱/۰۰۰ لیر ترک	۳۶۰/۰۰۰ لیر ترک	%۵۵/۸

انگسار

هائگونه كه در این جدول مشاهده میشود، میزان كك هزینه پرداختی به پناهندگان شهرستانی در مقایسه با پناهندگان ساکن آنکارا، تقریباً ۱۸-۱۲ درصد كتر میباشد. در سال ۹۰ نیز علیرغم اینکه نرخ تورم اعلام شده از طرف دولت ترکیه برای سال ۸۹، حدود ۶۵٪ بود و تورم در واقعیت تا ۱۰۰٪ می‌رسید، كك هزینه پرداختی به پناهندگان از ماه مارس ۹۰ به میزان ۵۰٪ افزایش یافت.

(افرايش كك هزینه پناهندگان در آنكارا)

نمعداد	مارس ۸۹ تا مارس ۹۰	مارس ۹۰ تا ژانویه ۹۱	مزان افرایش
۱-نفره	۱۶۰/۰۰۰ لیر ترک	۲۴۰/۰۰۰ لیر ترک	%۵۰
۲-نفره	۲۴۵/۰۰۰ لیرترک	۳۶۷/۰۰۰ لیرترک	%۵۰
۳-۴ نفره	۳۰۰/۰۰۰ لیرترک	۴۵۰/۰۰۰ لیرترک	%۵۰
۵-۶ نفره	۳۶۰/۰۰۰ لیرترک	۵۴۰/۰۰۰ لیرترک	%۵۰

از ماه مارس ۹۰ در شهرستانها نیز مقدار كك هزینه پرداختی به پناهندگان تقریباً ۵۰٪ افزایش یافت. در ماه ژانویه ۱۹۹۱ UN كك هزینه را به مقدار ۲۵٪ افزایش داد و اعلام كرد پس از ۳-۴ ماه ۲۵٪ دیگر نیز (نسبت به سال ۹۰) كك هزینه را افزایش خواهد داد. بدین ترتیب بعنوان مثال میزان كك هزینه‌های پرداختی پس از ژانویه سال ۹۰ در آنکارا طبق جدول ذیل چنین است:

نرخ مواد مصرفی خوراکی و اجناس ضروری مصرفی، اجاره بهای مسکن، ایاب و نهاب، تلفن، هزینه‌های پست و ۰۰۰ از ۶ ماه پیش تا بحال از ۵۰٪ تا ۱۰۰٪ افزایش یافته است:

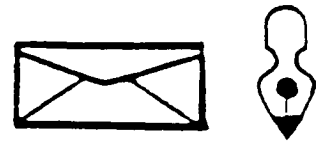
نان از ۴۵۰ لیر به ۹۰۰ لیر، گریه اتوبوس داخل شهری از ۵۰۰ به ۱۰۰۰ لیر، مینی بوس داخل شهری از ۶۰۰ به ۱۱۰۰ لیر، ژتون كوچك تلفن از ۲۰۰ به ۲۵۰، ژتون متوسط از ۸۰۰ به ۱۰۰۰ لیر، هزینه پست نامه معمولی به ایران از ۳۰۰ به ۵۰۰ لیر، به اروپا از ۱۰۰۰ به ۱۵۰۰ لیر، به كانادا از ۱۵۰۰ به ۲۰۰۰ لیر، اجاره مسکن از ۲۵۰ الی ۳۵۰ هزار لیر به ۴۵۰ الی ۶۰۰ هزار لیر، و گوشت از ۸ الی ۱۲ هزار لیر به ۱۲ الی ۲۰ هزار لیر (هر كيلو) افزایش یافته و سایر كالاهاى ضروری و نرخ خدمات، آب و برق و ۰۰۰ نیز بهمین ترتیب افزایش یافته‌اند.

وضعیت معرفی به هئیت‌های پناهنده‌پذیر

تا سال ۹۰ کشورهای چون: سوئد، دانمارك، نروژ، فنلاند، هلند با اعزام هئیت‌های خود به ترکیه (دوبار در هر سال) با قبول شدن UN صاحب می‌کردند و تعدادی از این پناهندگان را جهت اقامت دائم در کشورهايشان می‌پذیرفتند. در سال ۹۰ تنها دو هئیت فنلاند و نروژ آنها یکبار به ترکیه آمدند و تعداد محدودی از پناهندگان را پذیرفتند.

غیر از کشورهای اروپایی، کشورهای كانادا و استرالیا نیز از طریق واحدهای (امیگریشن) خود سالانه تعدادی از پناهندگان را براساس قوانین مهاجرت کشورهای خود، مورد پذیرش قرار می‌دهند، كه این هئیتها در اكثر ماههای سال از طریق سفارت خانه‌های خود در آنکارا با پناهندگان صاحب ترتیب میدهند در صورت پذیرش در صاحب پناهنده را جهت آزمایش و عكسبرداری به بیمارستان و كلینكهای طرف قرار داد خود معرفی کرده و پس از حصول یقین از سلامتی پناهنده و همسر وی به پذیرش آنان اقدام میکنند.

چون این کشورها پناهندگان را فقط جهت تأمین نیروی كار می‌پذیرند، در ویزای كانادا مخصوص پناهندگان واژه "NEW Worker" یعنی كارگر جدید قید می‌گردد! هئیت کشورهای پناهنده پذیر از پذیرفتن كیسه‌های



نامه های رسیده

مایه دلگرمی و نشاط ماست. ما در این شماره نشریه با انتشار اسانامتان کوشیدیم تا تشکل شما را به خوانندگان پویان شناسانیم. امیدواریم همکاریهایمان از استحکام و رابطهمان از عمق بیشتری برخوردار گردد، کامیاب باشید.

رفقا و دوستان متشکل در شورای پناهندگان و آوارگان ایرانی - پاکستان، فراخوان شما خطاب به تشکیلاتهای دمکراتیک و نیروهای انقلابی را دریافت کردیم. در رابطه با این فراخوان، ما اولاً در خواست شما را تکثیر کرده و بین پناهندگان توزیع و برای برخی از تشکلات ارسال نمودیم، ثانیاً پیرامون پیشنهادات شما با برخی از تشکلهای غیر ایرانی مدافع پناهندگی در سطح استان محصل اقامتان به بحث نشستیم که قرار است در این رابطه اقدامات هماهنگی صورت گیرد که متعاقباً شما را در جریان اقدامات فوق قرار خواهیم داد.

ضمناً هم اکنون مدت ۳ ماه است که مبلغی به عنوان کمک مالی برای تشکل شما ارسال کردیم، ولی متأسفانه هنوز اطلاع حاصل ننمودیم که آیا مبلغ فوق بدستتان رسیده است و یا خیر. لطفاً در این رابطه ما را سریعاً در جریان قرار دهید. با قدردانی مجدد از فعالیتهایتان در جهت حقوق پناهندگان برایتان آرزوی موفقیت هر چه بیشتری داریم!

رفیق عزیز پویان، ضمن سپاس مکرر از احساس مسئولیت، صمیمیت و تلاش شما به اطلاع میرسانیم که تاکنون چند نامه از شما به دستمان رسیده و چندین نامه نیز از طرف کمیته همبستگی ۰۰۰ برایتان ارسال شده است. در مورد شماره حساب بانکی، ما منتظر دریافت آدرس و مشخصات فرد گیرنده هستیم تا در این باره اقدام نمائیم، موفق باشید.

رفیق گرامی سلطانی، نامه شما را به همراه ۳۰ مارک کمک مالی (به صورت تمبر) دریافت داشتیم. از لطف و توجه شما کمال سپاسگزاری را داریم و برایتان آرزوی موفقیت داریم.

رفیق گرامی ر، همبستگی، مبلغ ۱۰ مارک بابت هزینه نشریه پویان بدستمان رسید، ضمن تشکر از شما انتظار داریم که همچون گذشته با ارسال مقالات و مطالب خود ما را در حرکتان یاری کنید.

رفقای متشکل در اتحادیه سراسری پناهندگان ایرانی- سوئد، نامه های شما را به همراه اسانامه و گزارشاتتان از شرایط پناهندگان در سوئد، دریافت داشتیم. با تشکر از شما تبریکات صمیمانه ما را به مناسبت آغاز فعالیتهایتان بپذیرید. پشنگار و فعالیتهای شما

رفقای کارگر متشکل در انجمن کارگران پناهندهم انگلیس، نامه شما را دریافت داشتیم. ضمن قدردانی از فعالیتهایتان در جهت رساندن صدای اعتراض کارگران ایران به گوش جهانیان و هم طبقه‌های آنها، از اینکه با درخواست ما مبنی بر نزدیک شدن رابطهمان و اشتراک عمل در راستای هدف مذکور موافقت نمودید، بسیار خرسندیم. ما در رابطه با پیشنهادات و سؤالات شما به صورت جداگانه، نامهای برایتان ارسال نمودیم، موفق باشید.

رفیق عزیز ف، از کلن مبلغ ۱۵۰ مارک کمک مالی شما به دستمان رسید. مکرراً از مساعدت شما سپاسگزاریم، توجه به عزیزانی مانند شما که بی‌دریغ از نیازمندیهای خود می‌گاهدید تا امر مشترکمان به پیش رود مایه امید و پشتگرمی ماست. همچنین در - همین راستا از شما انتظار داریم با انتقادات، پیشنهادات، ارسال مقالات و ترجمه مطالب، ما را در جهت دست یابی به راه حل‌های موثرتر و روشنتری در روند پراتیک آیندیمان یاور باشید.

رفیق عزیز محمود از سوئیس، نامه شما را به همراه ۳۰ مارک کمک مالی دریافت داشتیم، با تشکر بسیار از شما امیدواریم رابطه و پراتیک مشترکمان از غنا و وسعت بیشتری برخوردار گردد. یادآوری می‌کنیم که به صورت جداگانه و در پاسخ به نامتان، نامهای از سوی کمیته همبستگی ۰۰۰ به آدرس شما ارسال شده است، موفق باشید.

جمعی از پناهندگان ترکیه، نامه دوستان را دریافت کردیم. از اینکه ما را از دریافت نامه و نشریات کمیته همبستگی ۰۰۰ مطلع نمودید، بسیار سپاسگزاریم. ما با وقوف به مشکل مالی پناهندگان در ترکیه، مطابق با درخواستتان به صورت مرتب نشریه پویان را برایتان ارسال خواهیم نمود، موفق باشید.

دبیر خانه پناهندگان - سازمان ایرانیان دمکرات، ضمن تشکر از شما به اطلاع میرسانیم که هر دو نامتان به دست ما رسیده است. در مورد درخواستتان مبنی بر ارسال آدرس مورد نظر، ما با تشکل فوق تماس حاصل کرده و از آنها می‌خواهیم در صورت تمایل مستقیماً با شما تماس حاصل نمایند، موفق باشید.

رفقا و دوستان متشکل در شورای پناهندگان و آوارگان ایرانی - ترکیه، نامه شما را در رابطه با اعتراض به سیاستهای ضدپناهندگی

نامه های رسیده

۳- نشریه همبستگی - فدراسیون سراسری شوراهای پناهندگان
ایرانی، شماره های ۱۶ و ۱۷.

آدرس تماس:
BOX 240
12602 - Hagersten
Sweden

۴- نشریه اتحاد کار- ارگان مرکزی سازمان فدایی- ایران
شماره های ۱۷ و ۱۸.

آدرس تماس:
Postfach 150106
1000 Berlin 15
Germany

۵- بولتن پناهندگی- نشریه دبیرخانه امور پناهندگان " سازمان
ایرانیان دمکرات در خارج از کشور " شماره ۷.

آدرس تماس:
OIDA
Flüchtlingssektion
P.L.K Nr: 043410 C
6500 MAINZ
Germany

۶- نشریه : آوای زن

" AVAIE ZEN "

آدرس :
Post Boks 895
4300 SANDES
Norway

□

آگهی

تایپ متون فارسی با کیفیت بالا
و قیمت مناسب پذیرفته می شود .
متقاضیان می توانند برای تماس با
اینجانب با نشانی : کمیته همبستگی
بامبارزات مردم ایران : مکاتبه
نمایند .

" UNHCR " آنکارا دریافت کردیم، ضمن تشکر از شما به عرض
میرسانیم که هنوز اطلاعاتی از طرف شما در مورد موعد آکسیون
مورد نظر بدست ما نرسیده است. لطفاً در این باره هر چه
سریعتر ما را مطلع نمائید.

۵ دوست عزیز هئیت تحریریه " آوای زن " نامه و نشریات
ارسالی شما بدستمان رسید، بسیار متشکریم. ما نیز از همکاری
با شما استقبال می‌کنیم و امیدواریم این همکاری ادامه دار باشد.
طبق خواست شما از این پس نشریه پوشش را برایتان ارسال
خواهیم کرد و متقابلاً " خواستار دریافت منظم " آوای زن " -
میباشیم. در مورد مسائل زنان علاوه بر مطالب شماره قبلی ،
توجهتان را به دو مطلب مندرج در همین شماره پوشش (درباره
انتخاب يك روزه زنان سوئیس و اشتغال زنان در کشورهای عضو
بازار مشترك) جلب می‌کنیم، موفق باشید.

۵ رفقا و دوستان متشکل در کانون پناهندگان ایرانی-سوئیس
نامتان بدستمان رسید. ضمن تشکر از شما، همانگونه که اطلاع
داده بودید از این به بعد از آدرس جدیدتان جهت مکاتبه استفاده
خواهیم کرد.

۵ رفقا و دوستان متشکل در " هسته بهروز دهقانی " ، -
نامه و اعلامیه‌تان بدستمان رسید، متشکریم. ما نیز خواستار
همکاری با شما هستیم و دستتان را در این مسیر به گرمی
می‌نشاریم. اظهار تعالی کرده بودید که پوشش را مشترك گردید،
به این جهت شماره جدید پوشش را برایتان ارسال می‌کنیم. برای
اشترك پوشش می‌توانید چنانچه در خود نشریه نیز توضیح داده شده
است، وجه آيونمان را به حساب بانکی کمیته همبستگی ... واریز
نموده و فتوکپی آنرا به آدرس ما ارسال دارید. □

در طی انتشار نشریه شماره ۱۶ تاکنون نشریه برخی از تشکلهای
به دستمان رسیده است که با ذکر مشخصات و آدرس تماس آنها،
از آنان تشکر می‌کنیم.

۱- نشریه Arbeiter Kurier - شماره های ۸ و ۹
آدرس تماس:
postfach 201821
2000 Hamburg 20

۲- دفترهای کارگری- سوسیالیستی - شماره ۳

آدرس تماس :
T.Front
B.P. 26
93501 Pantin Cedex

اخبار ایران ، پناهندگان و جهان

خطر وقوع بزرگترین موج اخراج پناهجویان در آینده نزدیک

به گزارش روزنامه تاتس مورخ ۹۱/۵/۴، سازمان عفو بین الملل (انجمنی اینترنشنال) نگرانی خود را از وقوع بزرگترین موج اخراج پناهجویان در آلمان ابراز کرده. این اخراجها آن دسته از پناهجویانی را تهدید میکند که تقاضای پناهندگیشان رد شده اما به دلیل شرایط مخاطره آمیز در مینشان، با ادامه اقامتشان در آلمان فدرال موافقت شده است. وزارت داخلی آلمان تعداد این پناهجویان را بالغ بر ۳۰۰ هزار تن اعلام کرده است.

سازمان عفو بین المللی نسبت به این امر که هزاران پناهجو در پایان ماه ژوئن امسال پس فرستاده شوند اعلام خطر کرده است. طبق گزارش این سازمان هم اکنون موارد بسیاری وجود دارد که در آنها دولت آلمان مقدمات سفر پناهجویان را در پایان ژوئن فراهم کرده است.

علت نگرانی سازمان عفو بین المللی نسبت به اخراج پناهجویان در پایان ژوئن این است که طبق قانون جدید خارجیا که از اول ژانویه سال جاری به مرحله اجرا در آمده است، (۱) هر یک از ایالتهای آلمان تنها میتوانند حداکثر ۶ ماه حکم اخراج پناهجو-یان را به تعویق بیندازند و این مدت ۶ ماهه در پایان ژوئن امسال به اتمام میرسد.

یادداشت:

۱- برای اطلاع بیشتر از علت امکان اخراج پناهجویان پس از اجرای قانون خارجیا رجوع کنید به مقاله "بر علیه استرداد دستجمعی و گسترده پناهندگان مبارزه کنیم!" مندرج در پویشت شماره ۱۴.

خطر قطع شدن کمک هزینه تحصیلی پناهندگان دانشجوی ایرانی مقیم آلمان

باشناور شدن ریال در مقابل ارزهای بین المللی و آزادی-ورود و خروج ارز در ایران، پرداخت کمک هزینه تحصیلی بسیاری از پناهندگان دانشجوی ایرانی در آلمان به خطر افتاده است.

تا قبل از این، ممنوعیت خروج ارز از ایران خود دلیل محکمی برای وزارت آموزش آلمان بود که به همه پناهندگان دانشجوی ایرانی کمک هزینه تحصیلی بپردازد. با رفع این ممنوعیت وزرات - آموزش آلمان از طریق سفارت آلمان در ایران و دولت آلمان از این

امر مطلع میگرد و دیگر پذیرش تقاضای کمک هزینه تحصیلی ایرانیان را تابعی از شرایط مالی و میزان درآمد والدین آنان میماند. بااین ترتیب دانشجویان ایرانی باید با تقاضای خود، تمامی مدارک مربوط به وضعیت حقوقی والدین خود را ارائه دهند و تازه بعد از بررسی این مدارک است که تقاضای آنها پذیرفته یا رد خواهد شد.

گذشته از اینکه اصولاً تهیه چنین مدارکی با توجه به شرایط و ناهنجاریهای بوروکراتیک در ایران بسیار مشکل و بخشا ناممکن میباشد، مشکل بزرگ دیگری که رو در روی دانشجویان قرار گرفته، این است که وزارت آموزش آلمان هیچگونه توجهی به نرخ تبدیل ریال به مارک ندارد، چرا که ۹۰۰ مارک کمک هزینه تحصیلی با جدیدترین نرخ تبدیل مارک به ریال حدود ۶۸۴۰۰ تومان میباشد و هیچ حقوق بگیر معمولی از چنین درآمدی در ایران برخوردار نیست.

تاکنون کمک هزینه تعدادی از پناهندگان دانشجوی ایرانی در - ماینس، فرانکفورت و فرایبورگ قطع شده است.

در تنظیم این خبر از روزنامه تاتس تاریخ ۴ آوریل ۹۱، استفاده شده است.

ترور يك ایرانی در فرانسه

روز پنجشنبه ۱۸ آوریل (۲۹ فروردینماه) ساعت ۲ بعد ازظهر در میدان "وویان" واقع در محله هفتم شهر پاریس يك ایرانی بنام عبدالرحمن برومند، مورد حمله تروریست یا تروریستهای ناشناسی قرار گرفت و با پنج ضربه چاقو به قتل رسید. پلیس فرانسه تاکنون سرخی از قاتل و یا قاتلین این شخم بدست نیاورده و هویت آنها را شناسایی نکرده است.

برومند از اعضای يك خانواده زمیندار ثروتمند اصفهان بود و سه کارهای مقاطعه کاری میپرداخت. وی به هنگام مرگ ۶۳ سال داشت و مدتی از فعالیتهای سیاسی کنارتگیری کرده بود ولی اخیراً به ریاست اجرایی تشکیلاتی بنام بهضت مقاومت ملی ایران رسیده بود.

اخبار ایران، پناهندگان و جهان

های متعددی پیرامون شرکت اعضای سازمان مجاهدین در جنگ داخلی عراق به سود ارتش این کشور انتشار یافته است.

فرانسه ۲/۶ میلیارد دلار اعتبار در اختیار دولت ایران قرار میدهد

بنا به گزارش روزنامه کیهان دولتی (مورخه ۱۷ فروردینماه) اخیراً "بین بانک ملی پاریس و بانک مرکزی ایران توافقنامه‌ای به امضا رسیده که براساس آن دو اعتبار جمعا" به میزان ۲/۶ میلیارد دلار در اختیار دولت ایران قرار خواهد گرفت.

روزنامه اقتصادی (لزاگو) چاپ پاریس در شماره (۴ آوریل) خود ضمن اعلام این خیر تصریح کرده است بانک فرانسوی مزبور اعتباری را به میزان دو میلیارد دلار جهت خرید تجهیزات ساخت فرانسه در اختیار خریداران ایرانی قرار خواهد داد.

به نوشته این روزنامه ۶۰۰ میلیون دلار باقی مانده از اعتبار نیز قرار است صرف تجهیزات و وسائل ایتالیایی شود.

به نوشته (لزاگو) نرخ بهره این اعتبارات که مدت آن پنج سال است ۱۰/۰۵ درصد میباشد. یادآوری میکنیم که براساس توافقنامه دیگری که در سپتامبر ۱۹۹۰ بین بانک مرکزی ایران و یک گروه از بانکهای خارجی و در راس آنها بانک فرانسوی (سوسیته جنرال) به امضا رسید، اعتبارات دیگری به میزان ۲/۲ میلیارد دلار جهت اجرای طرحهای پتروشیمی در اختیار دولت ایران قرار گرفته است، و تاکنون جمع این اعتبارات به ۴/۸ میلیارد دلار میرسد.

اعتصاب اخطار آمیز میلیونها کارگر در شوروی

در ماههای اخیر طبقه کارگر شوروی بویژه کارگران معدن به رهبر اعتراضات اجتماعی تبدیل شده است. این مبارزات و - چگونگی پاسخگویی و عکس العمل نسبت به آن عملاً" به صورت یکی از فاکتورهای مهم سیاسی کشور در آمده است. یکی از جدیدترین نمونههای این مبارزات، اعتصاب اخطار آمیز میلیونها کارگر در سراسر شوروی در تاریخ ۲۶ آوریل بر علیه افزایش قیمتها و "برنامه ضد بحران" دولت و برله کنارگیری میخائیل گورباچف بود. این اعتصابات اخطار آمیز در بسیاری از شهرها توأم با تظاهرات تحت شعار "اینطور نمی‌شود زندگی کرد" گشت.

اعتراضات اخیر کارگران قبل از هر چیز بر علیه افزایش قیمتهای خرده فروشی بود. این افزایش قیمتها از تاریخ اول آوریل ۱۹۹۱ اجرا

نوربخش با پیشنهاد پس دادن کارخانهها به صاحبان سابق آنها به نیویورک رفت

بنا به گزارش هفته نامه کیهان لندن، محسن نوربخش (وزیر امور اقتصاد و دارایی جمهوری اسلامی) از روز ۲ ماه مه در ۳ روز متوالی با صاحبان صنایع و سرمایه داران ایرانی مقیم آمریکا در نیویورک ملاقات کرد تا نظر آنها را برای بازگشت به ایران، سرمایه گذاری و تحویل گرفتن شرکتها و کارخانههای صادره شدشان جلب نماید.

این گزارش حاکی است که از طرف مقامات رژیم دعوت نامههایی برای نزدیک به ۵۰ سرمایه‌دار و تجار ایرانی فرستاده شده است.

اقتصاد ایران بسوی غرب بازتر میشود

آنکارا- برای یک بازدید و ملاقات رسمی هاشمی رفسنجانی بهر همراه یک هیئت بزرگ روز اول مه به ترکیه وارد گردید. طبق اظهارات مقامات ترکیه بدلیل گسترش مناسبات اقتصادی ایران با غرب چنین هیئتی به رهبری رفسنجانی به ترکیه مسافرت نموده است. هر دو طرف خواهان گسترش مناسبات تجاری شده‌اند. از جمله انتظار می‌رود که پروژه لوله گاز از طریق ترکیه به اروپا برود امضا قرار گیرد. از سوی دیگر در مورد دیگر منابع انرژی صحبت گردید. آقازاده وزیر نفت ایران نیز با مقامات ترکیه در - مورد فروش نفت و گاز به این کشور صحبت نمود.

در این سفر همسر رفسنجانی، عفت خانم و دختران وی فاطمه و فائزه نیز شرکت داشتند اینان نیز در این بین به شهر قونیه مسافرت نموده و از مقبره مولانا بازدید نمودند.

منبع روزنامه (ترکیه)) به تاریخ ۲ مه

مجاهدین خلق زیر فرمان افسران گارد ویژه صدام حسین قسرار گرفتند.

بنا به گزارش خبرگزاری رویتر (روز دوشنبه ۱۵ آوریل)، صدام حسین دست به تشکیل یک نیروی ویژه ضد کودتا زده که اغلب اعضای آن خارجیا هستند. به استناد این گزارش اعضای سازمان مجاهدین خلق نیز در این نیروی ویژه عضویت دارند.

لازم به تذکر است در طی درگیریهای داخلی عراق، گزارش

اخبار ایران ، پناهندگان و جهان

میباشد که در اینجا نیز همچون صنایع فلز، اضافه حقوق و پاداش به میزان ۱۰ درصد تقاضا شده بود.

همچنین منازعه بر سر اضافه حقوق در صنایع چاپ به اوج خود رسیده است. تا به حال کارفرمایان در مقابل ۱۱ درصد اضافه حقوق پیشنهادی اتحادیه کارگران چاپ با ۴/۹ درصد اضافه حقوق موافقت نمودند. لازم به تذکر میباشد که شاغلین این بخش ۱۸۰ هزار نفر میباشد.

منبع خبر: فرانکفورتر وندشاو ۲ مه ۱۹۹۱

تظاهرات روز جهانی کارگر در استانبول

در استانبول علیرغم ممنوعیت برگزاری مراسم اول ماه مه اجتماعات پرشکوهی در محلات مختلف شهر برگزار شد و تنها نقطه‌ای که در کنترل کامل پلیس باقی ماند، میدان تقسیم بود که تاریخاً محل برگزاری اجتماعات اول ماه مه بوده است. سازمانهای منافع حقوق بشر در ترکیه اعلام کردند که تظاهرات اول ماه مه در استانبول در شرایطی برگزار شد که جوانان شرکت کنندگان در تظاهرات در معرض خطر بود. بنا به برخی گزارشات در روز اول ماه مه ۱۰۰۰ تن دستگیر شدند. تمامی دستگیر شدگان به بخش سیاسی اداره امنیتی ترکیه که به خاطر متدهای شکنجه‌اش مشهور است، انتقال یافتند.

طبق آمار رسمی در درگیریهای مابین مردم و نیروهای پلیس ۱۴ تن مجروح شدند، اما منابع غیر دولتی تعداد مجروحین را بسیار بیش از این میدانند.

همچنین کارگران تعداد زیادی از کارخانههای استانبول در اعتراض به ممنوعیت تظاهرات روز جهانی کارگر، دست به یک اعتصاب دو ساعته زدند.

منبع خبر تاتس ۳ / ۵ / ۹۱

۶۰۰ هزار تن در تظاهرات اول ماه مه در آلمان شرکت کردند

براساس گزارش اتحادیه کارگری DGB، به مناسبت روز جهانی کارگر، در شهرهای مختلف آلمان مجموعاً ۶۰۰ هزار تن به خیابانها ریخته و تظاهرات کردند اما در برخی از مناطق به علت بارندگی تعداد شرکت کنندگان در اجتماعات کم بود.

شعار محوری اتحادیهها در اجتماعات اول ماه مه امسال " وحدت اجتماعی در صلح و آزادی" بود. موضوع اصلی سخنرانیهای رهبران

شده و به طور متوسط بالغ بر ۶۰ درصد میباشد. اعتصابات - همچنین دارای جنبه سیاسی بودند. در بلوروسیه از جمله خواستههای الفأ تمامی امتیازات بوروکراتها و ملی شدن داراییهای "حزب کمونیست شوروی" مطرح شد. براساس اطلاعات منابع مختلف، در سراسر شوروی بین ۱۶ تا ۲۴ میلیون کارگر در اعتصابات اختارآمیز ۲۶ آوریل شرکت داشتند.

منبع خبر: Rote Fahne ۴/۵/۱۹۹۱

اعتصاب ۲۵۰ هزار کارگر فلزکار آلمان

فرانکفورت، کارگران فلزکار آلمان غربی مبارزه خود را برای حقوق و پاداش بیشتر بر علیه کارفرمایان شدت بخشیدند. اتحادیه کارگری خیرداد که در اعتصاب کوتاه مدت اعتراضی، که فراخوان آن توسط اتحادیه کارگری صادر شده بود بیش از ۲۵۰ هزار نفر از شاغلین در صنایع فلز و الکترونیک شرکت نمودند. مرکز اصلی این اعتصابات کوتاه مدت در ایالات "همسن"، بایرن، "بادن ورتن برگ" و "نوردر این وست فالن" قرار داشت. مطالبات اتحادیه کارگری برای این اعتصاب ۱۰ درصد اضافه حقوق و پاداش به مبلغ حداقل ۲۸۰ مارك میباشد.

در مقابل، کارفرمایان، اتحادیه کارگری را به "واقع بینی و انعطاف برای مصالحه" دعوت نمودند و اعلام نمودند که "راه حل این منازعه برای اضافه حقوق فقط میز مذاکرات" است. این مطالبات را رئیس اتحادیه کارفرمایان سراسر آلمان ورتراشتومفه عنوان نمود.

همچنین رئیس اتحادیه کارگری فلزکاران، اشتاین کولسر عنوان نمود که موافقت کارفرمایان با ۴ درصد اضافه حقوق و پاداش برای ۴ میلیون کارگر فلزکار در حقیقت نه موافقت که اعلان جنگ است.

از سوی دیگر به گزارش خبرگزاری رویتر اتحادیه کارگران فلز و صنعت کاران بخش الکترونیک در "نوردراین وست فالن" با کارفرمایان پیرامون افزایش حقوق و پاداش به توافق رسیدند.

مسئول اتحادیه کارگری در منطقه وپرتال سمنشبه اعلام نمود که، تقریباً ۷۰ هزار شاغل در این منطقه از اول آوریل ۶/۲ درصد اضافه حقوق و پاداش دریافت می‌دارند. قابل نگر

اخبار ایران، پناهندگان و جهان

کارکنان زن بطور متوسط ۵۳/۳ درصد کمتر از همکاران مردشان حقوق می‌گیرند. حتی در موقعیتهای شغلی کاملاً یکسان بی‌تفاوت دستمزد زن و مرد بطور متوسط ۲۰ درصد می‌باشد! امکان برخورداری زنان از بیمه‌های اجتماعی نیز به مراتب کمتر است.

مردان سوئیس در خانواده اغلب رئیس و سرور می‌باشند و این در حالی است که ایشان در سطح جامعه نیز تقریباً تمامی مقامات عالی‌عرضه سیاست و اقتصاد را به خود اختصاص داده‌اند. به عنوان مثال تنها ۱۴ درصد نمایندگان مجلس رازسان تشکیل می‌دهند و در تاریخ سوئیس تنها بین سالهای ۱۹۸۴ و ۱۹۸۸ دوزن آنها بطور کوتاه مدت وزیر بودند. در حوزه آموزشی نیز این نابرابریها به چشم می‌خورد، مثلاً در مراکز آموزشی عالی زنان تعداد بسیار کمی را تشکیل می‌دهند.

منبع خبر: تاتسی ۱۲/۴/۱۹۹۱

مشارکت دولت و شرکتهای آلمانی در سرکوب کردها

در برنامه مونیتر که روز ۳۰ آوریل از کانال اول تلویزیون آلمان پخش شد، عنوان گردید که ادارات دولتی و شرکتهای آلمانی رژیمهای ترکیه و عراق را در تعقیب و سرکوب کردها یاری رسانده‌اند. از جمله موارد کتک دولت آلمان در این رابطه، تربیت دو واحد کماندویی ترکیه در سال ۱۹۸۶ توسط "واحد ضد ترور آلمان" (GSG9) بوده است.

برنامه مونیتر با ارائه اسناد و مصاحبه با شاهدان نشان داد که هاینریش بوگه، رئیس سابق اداره جنایی آلمان فدرال در سال ۱۹۸۲ با هدف توافق بر سر همکاری با سرویس مخفی عراق به این کشور سفر کرده است و پس از این سفر، اداره جنایی آلمان اطلاعاتی درباره کردهای مقیم آلمان در اختیار سرویس مخفی عراق قرار داده است.

همچنین به گزارش مونیتر شرکت Cifco در شهر برن آلمان فیلمهای الکترونیک به عراق فروخته، این فیلمها برای اولین بار در سال ۱۹۸۸ در بمباران شیمیایی حلبچه که منجر به کشته شدن بیش از ۵۰۰۰ تن از کردهای بی‌دفاع شد، بکار رفتند.

اتحادیه نیز درباره بحران اقتصادی در شرق آلمان و انتقاد از سیاستهای دولت در این مورد بود. هم رهبران اتحادیه و هم دولت، مردم شرق و غرب آلمان را به همستگی فرا خواندند. اما اتحادیهها متفقاً خواست صرفنظر کردن کارگران از بخشی از دستمزدشان به منظور بازسازی شرق آلمان را رد کردند.

هانس ورنر میر، رهبر DGB در اجتماع مرکزی DGB که در برلین برگزار شد، نسبت به خطر از بین بردن صنایع شرق آلمان هشدار داد و از جمله گفت: کسی که فکر می‌کند می‌توان تنها در غرب کالا تولید کرد و در شرق (آلمان) به فروش رساند، به اقتصاد ملی ما ضربه می‌زند. وی همچنین گفت: کارخانهها باید بسیار بیش از اینها به نیروی محرک اعتدالی اقتصادی شرق آلمان تبدیل شوند.

اثنان کولر، رئیس اتحادیه فلز، دولت را مورد انتقاد قرار داد و در بخشی از سخنان خود گفت: این امر قابل ترحم است که انسانهایی که در پاییز ۱۹۸۹ برای آزادی و دموکراسی به خیابانها ریختند، امروز باید دلواپس محللهای کارشان باشند. این امر که دولت چگونه با ایمان، امید و آرزوهای این انسانها رفتار کرده، شرم آور است.

منبع خبر تاتس ۲ / ۵ / ۹۱

زنان سوئیس در تدارک اعتصاب يك روزه بر علیه تبعیض جنسی

اتحادیه سراسری سوئیس که ۵۵ هزار زن عضو آن می‌باشند، جهت اعتصاب يك روزه در اعتراض به تبعیض جنسی و برتر شمردن مردان در کشور سوئیس فراخوان داده‌اند.

اعتصاب مذکور که قرار است در سراسر سوئیس برگزار شود از طرف تمامی زنان باجهت گیریهای مختلف سیاسی مورد حمایت قرار گرفته است. بعلاوه برای پیکنیک در محللهای عمومی نیز برنامه‌ریزی شده است و مردان باید حداقل يك روز، خودشان زحمت راحتی و آسایش خود و فرزندانشان را بکشند.

در مجموع هدف از این آکسیونها این است که حداقل برای يك بار نقش زن قابل حس و ملموس گردد.

جالب است بدانیم که در روز ۱۴ ژوئن ۱۹۸۱ از طریق يك همه پرسی عمومی و توافق مراجع قضایی تساوی زن و مرد و قید آن در قانون اساسی مورد تصویب قرار گرفت، با این همه حقوق برابر در خانواده و اشتغال همچنان بدست نیامده است. هنوز

اخبار ایران ، پناهندگان و جهان

وزرای بهداشت خاطرنشان ساخت که میزان مرگ و میر کودکان که هم اکنون نیز به نحو وحشتناکی بالاست، در ظرف چند سال آینده به ۵۰ درصد افزایش خواهد یافت. سخنان مایورانگا به این معناست که در آینده نزدیک از هر دو کودک آفریقایی يك تن از میان خواهد رفت.

هم اکنون نیز در موزامبیک و مالی ۳۰ درصد نوزادان تا قبل از ۵ روزگی جان خویش را از دست میدهند. همچنین سالانه ۱۵۰ هزار زن آفریقایی هنگام وضع حمل جان می‌پازند.

دبیرکل سازمان وحدت آفریقا در بخشی از سخنان خود "وضعیت دشوار اقتصادی" آفریقا را مسئول این شرایط می‌داند.

براساس اطلاعات صندوق بین المللی پول و بانک جهانی برنامه‌های عمرانی اولین هزینه‌هایی هستند که توسط دولت‌های آفریقایی حذف می‌شوند و در حال حاضر هزینه‌های دولتهای آفریقایی برای بهداشت هر فرد صرف می‌کند بطور متوسط فقط ۵ دلار در سال می‌باشد.

منبع خبر: تاتس ۱۹۹۱/۵/۲

وضعیت رو به وخامت مرگ و میر و بهداشت در آفریقا

در روزهای ۲۹ و ۳۰ آوریل وزرای بهداشت دولتهای عضو سازمان وحدت آفریقا با یکدیگر دیدار کردند. موضوع این اجلاس که در پایتخت سالیسبوری برگزار شد، مشورت درباره وضعیت مخاطره آمیز و رو به وخامت بهداشت در آفریقا بود. دبیر کل سازمان بهداشت جهانی، هیروشی ناکایاما، خواستار کمک جهانی برای مبارزه با گسترش سریع امراتی مری در آفریقا شد. طبق گزارش سازمان جهانی بهداشت در حال حاضر ۶۰ میلیون آفریقایی حامل میکروب ایدز هستند. که از این تعداد ۷۰۰ هزار تن مبتلا به بیماری ایدز می‌باشند و تا سال ۲۰۰۰ رقم بیماران مبتلا به ایدز ممکن است به ۲۰ میلیون تن افزایش یابد. سالیانه ۴ میلیون کودک آفریقایی در اثر ابتلا به بیماریهای مختلف جان خود را از دست میدهند. از این تعداد ۷۵۰ هزار تن در اثر مالاریا می‌میرند. در حال حاضر در قاره آفریقا ۹۰ میلیون بیمار مالاریایی وجود دارد. بیماری وبا نیز در سراسر جنوب آفریقا از آنکولا تا موزامبیک در حال گسترش است.

م.ت. مایورانگا، دبیر کل سازمان وحدت آفریقا، در اجلاس اخیر

اندکی سؤ تفاهم

راویان اخبار و ناقلان گفتار چنین آورده‌اند که میانه اکر شامو اوزال نزدیک بود که شکر آب شود. قضیه از این قرار بوده که گویا اکر شاه در دیدار اخیرش از ترکستان و در ملاقات خیلی دوستانه با اوزال اللخان، ناشیانه بند را آب داده و گفته بود که: نیروهای امریکائی باید از منطقه خارج شوند. همیسن سخن به رگ غیرت میزبان برمیخورد و در جواب میگوید: یعنی جنابعالی می‌فرمائید که این سرانه پیری ما و شما برویم به مالک فرنگ و ینگه دنیا پناهنده شویم؟ اکر شاه که هوارا پس می‌بندد و می‌فهد که حریف بدفهمی کرده است، زود از پس اصلاح خط خویش بر آمده و می‌گوید: سرکار اوزال خان خاطر مبارک را آزرده نکند منظور منده نیروهای غیر بومی امریکا بود والا ما نیروهای بومی، همچنان در منطقه خواهیم ماند.

آبیرزا - ۳ / مه ۱۹۹۱



آدم ورزش دوستی از من برسید: جوزعلی میانی که بزرگترین دوندۀ ماراتون کیست و تا حالا" رکورد چند کیلومتر راشکسته است؟

گفتم: علی آقا همسایۀ ما!

گفت: باز داری دستم می‌اندازی، اون بابا دماغشو بگیری مرده است.

گفتم: زکی! اونو اونجوری نگاه نکن، حدود ۲۵ سال است که دارد دنبال گرفتن يك خط تلفن می‌دود!

آوریل ۹۱ - جوزعلی در غربت

□

□

بقیه از صفحه ۶

دعوت مشترک جهت برگزاری جشن اول ماه مه در هانوفر

هیچ طبقه و گروه اجتماعی دیگری قابل مقایسه است. اما با این وجود مبارزاتشان کمتر انعکاس جهانی می‌یابد و کمتر برای افکسار عمومی جهان شناخته شده است.

واقعیت این است که هم اپوزیسیون بورژوازی جمهوری اسلامی از- سلطنت طلبان گرفته تا ملیون و هم دولتهای سرمایه‌داری آمریکا و اروپا نفعشان در این است که مبارزات کارگران ایران را تا آنجا که می‌توانند سکوت بکنارند و انکار کنند.

به همین جهت است که اپوزیسیون بورژوازی رژیم مثلا "مخالفت- خوانی ساده فلان آخوند عمامای و بی‌همامه رانده شده از بارگاه حکومت اسلامی را در بوق و کرنا می‌دهند، اما در مقابل اعتصابات و مبارزات هزاران کارگر هیچ عکس‌العملی نشان نمی‌دهند. و باز به همین جهت است که دولتهای آمریکا و اروپا عملا "درباره مبارزات کارگران ایران سکوت می‌کنند.

بعلاوه هم اکنون این جا و آنجا گروهی از به اصطلاح طرفداران دیروزی کارگران، با تمسک به چرخش عمومی در مقیاس اجتماعی به راست و تعرض ایندولولویک بورژوازی، و با چشم داشت سهمی از "جامعه مدنی موعود" مورد نظر بورژوازی، از هیچ اقدام هیستریکی برای توجیه نظام سرمایه‌داری، کتمان مبارزه و حتی کتمان خود طبقه کارگر کوتاهی نمی‌کنند.

در مقابل این همه تحریف و دروغ وظیفه ما این است که واقعیات مربوط به خواست‌ها، اعتراضات و اعتصابات کارگران ایران را به گوش جهانیان برسانیم.

از اینرو از همگان دعوت می‌کنیم تا به کمک هم اخبار مربوط به اعتصابات کارگری- بخصوصی اعتصاب اخیر کارگران و کارمندان نفت- را در اختیار اتحادیه^{ها}، تشکلهای کارگری و نیروهای مدافع منافع کارگران و نشریات کثیرالانتشار بگذاریم و از آنها بخواهیم این اخبار را منتشر نمایند. هم چنین به سراغ اتحادیههای کارگری بروییم و از ایشان بخواهیم به سفارت خانمهای جمهوری اسلامی و "وزیر کار" ایران تلگراف بزنند و به شرایط غیرانسانی در ایران اعتراضی کنند. از اتحادیهها بخواهیم به کنفرانس بین‌المللی کار فشار بیاورند تا نمایندگان رژیم در این کنفرانس را اخراج نمایند و هیأتی را برای تحقیق درباره شرایط طاقت فرسای کارگران، بی‌تشکی و بی‌حقوقی آنان به ایران ارسال نمایند و خواستار شرکت نمایندگان واقعی کارگران ایران در کنفرانس بین‌المللی کار شوند.

هم اکنون چندین اتحادیه و تشکل کارگری در کشورهای انگلستان

میشوند و آشپزخانهها و رستوران در کارخانهها برچیده میشوند تا وظایفشان مجدداً به زنان در خانهها محول شود تا سرمایه‌هایی که به این قبیل امکانات اختصاصی داده شده در خدمت انباشت باز هم بیشتر سرمایه و سودآوری بیشتر درآیند. اما زنان کارگر ایران نه تنها این ستم مضاعف را تحمل می‌کنند، نه تنها از هر گونه حقوق ابتدایی مثل روزگار محدودتر برای مادران شویده، عدم انجام کارهای سنگین و غیره بی‌بهره‌اند، بلکه به هزار و یک بهانه واهی، حتی بخاطر خندیدنشان و یا بلند حرف- زدنشان در محیط کار و یا به خاطر پوششان کبفر می‌بینند.

اگر به طور عام برای زنان کارگر، زمان کار روزانه بعد از انجام کارشان در کارخانه و مراکز تولیدی به پایان نرسد و بعد از- کار روزانه عملا "نوبت به شیفت دوم یعنی بجمداری، خانه داری و آشپزی می‌رسد، این امر با توجه به شدت سنت مردسالارانه در ایران و کوشش رژیم جمهوری اسلامی در نهادی کردن آن، به نحو مشقت‌بارتری نامنگیر زن کارگر ایرانی است. بدون اغراق می‌توان گفت اکنون ستم و فلاکتی که بر زنان ایرانی تحمیل میشود، یک آپارتاید جنسی است و تنها با موقعیت سیاسیستون در حکومت آریقای جنوبی قابل مقایسه است.

نکت نظام سرمایه‌داری، تحت حاکمیت جمهوری اسلامی کارگران و خانومهای آنان را با کلیه عوارض خانمان برانداز این نظام در هولناکترین ابعادش روبرو ساخته است. این شرایط کودکان طبقات نادار را وادار ساخته است که به ناچار برای تأمین و یا کمک خرج خانومشان به کارگاهها، کارخانهها و محیط‌های کار رانده شوند و بهترین سالهای عمر خود را که می‌بایستی صرف تفریح، سودآموزی و پرورش شود، در رنج و شرایط طاقت فرسای کارگری به سر ببرند. و این در حالی است که قانونی در ایران وجود ندارد تا از حقوق آنان در مقابل سرمایه‌داران، طبقات نادار و سودجویان دفاع کند. این گلبرگهای بهاری ناچارند از قبل از- طلوع آفتاب تا ساعات بعد از غروب آفتاب جان بکند وجودشان به تباهی و نیستی کشانده شود تا لقمه نانی در سفره خانواده خود بنشانند.

رفقا و دوستان، حضار محترم!

واقعیت این است که کارگران ایران سالیان سال است که پیگیرتر و استوارتر از هر طبقه و گروه اجتماعی دیگری در مقابل رژیم جمهوری اسلامی ایستاده‌اند و کمیت و کیفیت مبارزاتشان با مبارزه

دعوت مشترک جهت برگزاری جشن اول ماه مه در هانوفر

به امید آنکه در سالهای آینده شاهد دستیابی کارگران ایران و جهان
به موفقیت‌های چشمگیر و بزرگی باشیم.

زنده باد همبستگی بین‌المللی کارگران جهان!
زنده باد اول ماه مه!
پیروز باد مبارزات کارگران ایران!
سرنگون باد رژیم ضد کارگری جمهوری اسلامی!

انجمن کارگران تبعیدی ایرانی - واحد هانوفر

کمیته همبستگی با مبارزات مردم ایران - هانوفر

اول ماه مه ۱۹۹۱

سوئد، فرانسه، اتریش و فنلاند به اعتراضی بر علیه بی‌حقوقی کارگران
در ایران دست زدند، اما این اعتراضات می‌بایست بسیار پیش
از این گسترش یابد.

بی‌تردید آگاهی افکار عمومی جهان از بی‌حقوقی کارگران ایران و —
همبستگی عملی ایشان از مبارزات و اعتصابات کارگری ایران، وسیله
موثری است برای اعمال فشار جهانی بر جمهوری اسلامی و به عقب-

نشینی واداشتن این رژیم.

وضعیت تشاغل زنان در کشورهای بازار مشترک

وجود ندارد.

علاوه بر این در همه کشورهای عضو بازار مشترک، در بخش
صنعت بطور متوسط مردان ۲۵ درصد بیشتر از زنان حقوق
می‌گیرند. در انتها، بد نیست نگاهی به درصد تشاغل زنان و مردان
در تک تک کشورهای عضو بازار مشترک بیانداریم: (۲)

زنان	مردان	
۳۴/۱	۵۲/۱	بلژیک
۵۱	۶۲/۵	دانمارک
۳۴/۷	۵۸/۵	آلمان فدرال
۲۷/۵	۵۴/۵	یونان
۲۴/۲	۵۱/۹	اسپانیا
۳۵/۹	۵۱	فرانسه
۲۲/۶	۵۱/۵	ایرلند
۲۹/۴	۵۵/۲	ایتالیا
۳۰	۵۶/۴	لوکزامبورگ
۲۸/۲	۵۳/۲	هلند
۳۸/۷	۵۵/۸	پرتغال
۳۹/۴	۵۹/۱	بریتانیا

تساوی زن و مرد در تمامی عرصه‌های زندگی اجتماعی و از جمله
مسئله تشاغل امری است که در پیشرفته‌ترین کشورهای سرمایه‌داری
جهان همچنان حل نشده باقی مانده است. باوجودیکه زنان
اروپایی سالهاست برای کسب حقوق، شرایط کار و دستمزد برابر
با مردان، مبارزه می‌کنند و در این میان نیز دستاوردهایی بخصوصی
در زمینه مسائل اجتماعی و خانوادگی داشته‌اند ولیکن تفاوت‌های
فاحشی که در سطح اروپا در رابطه با شرایط کار و شغلی مابین
زنان و مردان وجود دارد نشان می‌دهند که هنوز حتی زنان اروپایی
نیز برای رفع ستم ضاعف و تساوی حقیقی با مردان راه درازی را
در پیش رودارند. در این رابطه نگاهی کوتاه به وضعیت اشتغال
زنان در بازار مشترک می‌اندازیم: (۱)

در شرایط کنونی زنان ۳۸٪ کل شاغلین در بازار مشترک را تشکیل
می‌دهند. مجموعاً ۱۴۰ میلیون کارگر در بازار مشترک وجود دارند
که از این تعداد ۵۲ میلیون نفر آنان را زنان تشکیل می‌دهند.
۷۴ درصد از این ۵۲ میلیون نفر در بخش خدمات فعالیت
دارند. که در این بخش کلاً زنان نیمی از کل شاغلین را تشکیل
می‌دهند و بویژه در بخش آموزشی و بهداشت، هتلها و رستورانها،
بانکها، نگاهها و شرکتهای بیمه بکار گمارده شده‌اند.

در حیطه کشورهای عضو بازار مشترک

تأمین اجتماعی و پرداخت نیروی کار زنان برانطب بدتر از مردان
میباشد. بعنوان مثال ۲۸٪ زنان نیمه وقت کار می‌کنند که در
چنین شغل‌هایی کلاً شرایط و نورمهای تعرف شدتای برای کار

زیرنویس:

۱- تمام آمارها از ماهنامه اروپا (Europäische Zeitung)

مورخ ماه مارس میباشد.

۲- آمار مربوط به درصد تشاغل مربوط به سال ۱۹۸۷ میباشد.

بنده از صفحه ۴ "نظم نوین" دلخواه امپریالیسم در خاورمیانه

بخشی از این طرح با از بین بردن قسمتهای مهمی از توان نظامی عراق عملاً به اجرا در آمده است. اما آنچه در این میان نباید از خاطر دور داشت، این است که آمریکا نمیخواهد قدرت نظامی عراق کاملاً از بین برود. حفظ توان متعارف نیروهای نظامی عراق در تنظیم "توازن قوا" در منطقه از دیدگاه آمریکا ضروری است. (۵)

نیروهایی که از نظر آمریکا میبایستی موازنه قوا به نفع آنها تنظیم گردد عبارتند از: اسرائیل به عنوان قدرت اتمی منطقه، ترکیه، مصر، عربستان سعودی و پاکستان. سوریه در این میان بسبب دلایل تاکتیکی و در صورت برسمیت شناختن اسرائیل بدون تصاحب نقش نظامی پراهمیتی امتیازاتی بدست خواهد آورد.

۶- احیای چشمانداز پیشرفت در سازش اعراب با اسرائیل: آمریکا و اسرائیل تن به یک کنفرانس بین‌المللی صلح برای حل مناقشات اعراب و اسرائیل نخواهند داد. مطلوب آنها روند دیپلماتیکی است که در آن آمریکا، اسرائیل، کشورهای عرب طرفدار آمریکا و همچنین سوریه شرکت کنندگان اصلی باشند.

طرحی را که کیسینجر در این میان در مقابل دولت آمریکا قرضار داده به قرار زیر است:

- "یک کنفرانس باید تحت نظارت دبیر کل سازمان ملل و با شرکت آمریکا، اسرائیل و کشورهای عرب متحد آمریکا در بحران خلیج فارس تشکیل شود."
- "کشورهای میانه‌رو عرب باید موافقت کنند که به عنوان قیم برای سرزمینهایی که به کنترل اعراب در می‌آید برای یک دوره - مشخص ۵ تا ۱۰ ساله اقدام کنند."
- "کشورهای میانه‌رو عرب همچنین باید نسبت به غیر نظامی کردن این مناطق تحت نظارت سازمان ملل متعهد شوند."
- "اسرائیل باید همه غزه و مناطق پرجمعیت کرانه باختری را رها کند و تنها سرزمینهایی را که برای امنیت آن ضرورت دارد، حفظ نماید. این کشور باید اجازه یابد در نظارت بر غیر نظامی کردن هر منطقه‌ای که تخلیه می‌کند، مشارکت داشته باشد."
- "باید ترتیبات دقیق حکومتی، باتوافق طرفین، داده شود اما دوران انتقالی نباید به ایجاد یک کشور جداگانه منجر شود. به عنوان یک موضوع تجربی، قدرتهای قیم بی‌تردید باید حکومتی متشکل از افراد قابل قبول ساف را تشکل دهند."

به هرحال دولت اسرائیل حتی به همین شرایط محدود نیز رضایت نخواهد داد و حداکثر پذیرش آن نمی‌تواند چیزی فراتر از خود-

گذراندن مابین حکومتهای طرفدار آمریکا در منطقه به همراه حضور هر چند محدود نیروهای آمریکایی برای اعاده ثبات دلخواه آمریکا در منطقه می‌باشد.

از آن طرف امنیتی مورد نظر آمریکا در منطقه، آنگونه که توسط بینگهای سیاستمداران درجه اول آمریکایی و اخبار و گزارشات طبیعتی منعکس شده می‌تواند به شرح زیر باشد:

- ۱- تشکیل یک نیروی نظامی مشترک در منطقه (با شرکت نیروهای نظامی شورای همکاری خلیج فارس، مصر و بصورت تاکتیکی سوریه) ترکیه قطعاً در این میان مکانی خواهد داشت منتها نه بصورت مستقیم و علنی، چرا که گنجاندن نیروهای نظامی ترکیه در این پیمان به منزله گسترش حوزه پوشش پیمان ناتو و نیز گسترش "پنر حفاظتی" آمریکا تلقی خواهد شد و احتمالاً با واکنش شوروی و بعضی کشورهای اروپایی بخصوص فرانسه روبرو خواهد شد. (۴)
- ۲- تقویت بنیادهای اقتصادی رژیمهای طرفدار آمریکا در منطقه به خرج کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس، به این منوال که براساس ترتیبات نظامی بین کشورهای ذکر شده در بالا، روابط اقتصادی ویژه‌ای نیز مابین آنها برقرار خواهد شد. مبنای این روابط سرمایه‌گذاری ۶ کشور عضو شورای همکاری خلیج فارس در صنایع و بخصوص صنایع نظامی مصر و تولید و خرید مشترک جنگافزار، و نیز سرمایه‌گذاری ثروت حاصل از نفت در صنایع نظامی و غیر نظامی ترکیه و در مرحله بعد تأمین برخی از هزینه‌های سوریه خواهد بود.

- ۳- حضور مستقیم اما محدود قوای زمینی آمریکا در منطقه: جهت تکمیل و تقویت نیروی نظامی مشترک مورد نظر آمریکا در منطقه حضور مستقیم هر چند محدود آمریکا لااقل تا زمان تثبیت کامل آن ضروری است. آمریکا درصد است تا نیروی زمینی خود را به صورت دائمی اما بسیار محدود در منطقه مستقر سازد. واحدهایی از نیروی هوایی خود را علاوه بر پایگاههای سابق در منطقه، در پایگاههای دائمی‌ای درون کشورهای جنوب خلیج فارس مستقر سازد و ناوگان دریایی آن نیز منظمتر از سابق به بنادر منطقه دسترسی داشته باشند.

- ۴- کنترل تسلیحات و تکنولوژی در منطقه: تکنولوژی نظامی در منطقه باید در سطحی تولید شود که خطر امنیت دولتهای طرفدار آمریکا و بخصوص اسرائیل و راههای انتقال نفت را مورد تهدید قرار ندهد.

- ۵- برقراری "توازن قوا" به نفع نیروهای طرفدار آمریکا در منطقه:

نظم نوین - دلخواه امپریالیسم در خاورمیانه

را به جنگ آورد.

آنچه که در این میان به کارگران و مردم تحت ستم منطقه مربوط میشود این است که منافع آنها با چشم امید دوختن به هیچیک از نیروهای در صحنه تأمین نمی‌شود. بیرون راندن تمامی نیروهای نظامی امپریالیستها، درهم شکستن نظام سرمایه‌داری و رویدن منطقه از ارتجاع اسلامی و ملی تنها مسیر ممکن رهایی آنهاست. کارگران و مردم تحت ستم ایران یکبار با سرنگونی شاه تمامی محاسبات امپریالیستها را در منطقه بر هم زدند. اکنون نیز این تنها قدرت اعتراضی و مقاومت کارگران و زحمتکشان کشورهای منطقه است که قادر خواهد بود تمامی نقشه‌های سرمایه‌داری جهانی برای ایجاد ثبات و امنیت مورد نظر خود در منطقه را برهم بزند.

جلیل محمودی - ۱۹۹۱/۵/۶

□

پادشاهی:

۱- بنا به آمار رسمی، امپریالیسم آمریکا در دوره (۸۹-۱۹۸۵) نزدیک به ۵۳ میلیارد دلار اسلحه (به قیمت ثابت ۱۹۸۵) به کشورهای خارجی فروخته است که از این مقدار قریب به ۶۰ درصد به کشورهای صنعتی (عمدتاً ژاپن، اروپا و کانادا) فروخته شده است.

۲- نماینده دفتر سرمایه گذاری کویت (کیو) در اسپانیا، در رابطه با مهمترین قرار دادهای بازسازی کویت اعلام کرد که دولت کویت "۲۵۰ قرارداد کلان برای بازسازی این کشور را در اختیار شرکتهای آمریکایی قرار داده است." وی ادامه داد، "سایر کشورهای شرکت کننده در آزاد سازی کویت قراردادهای کوچک که بخشهایی از ۲۵۰ قرارداد کلان فوق می‌باشند را به عهده خواهند گرفت." علاوه بر این چه در گرماگرم جنگ و چه بعد از جنگ و در راستای ایجاد طرحهای امنیتی مورد نظر آمریکا در منطقه، نقاضا برای صنایع تسلیحاتی آمریکا فزونی گرفته است، و شرکتهای آمریکایی سفارشات بسیاری دریافت کرده‌اند و بازار بزرگی برای تسلیحات آمریکا دهان باز کرده است.

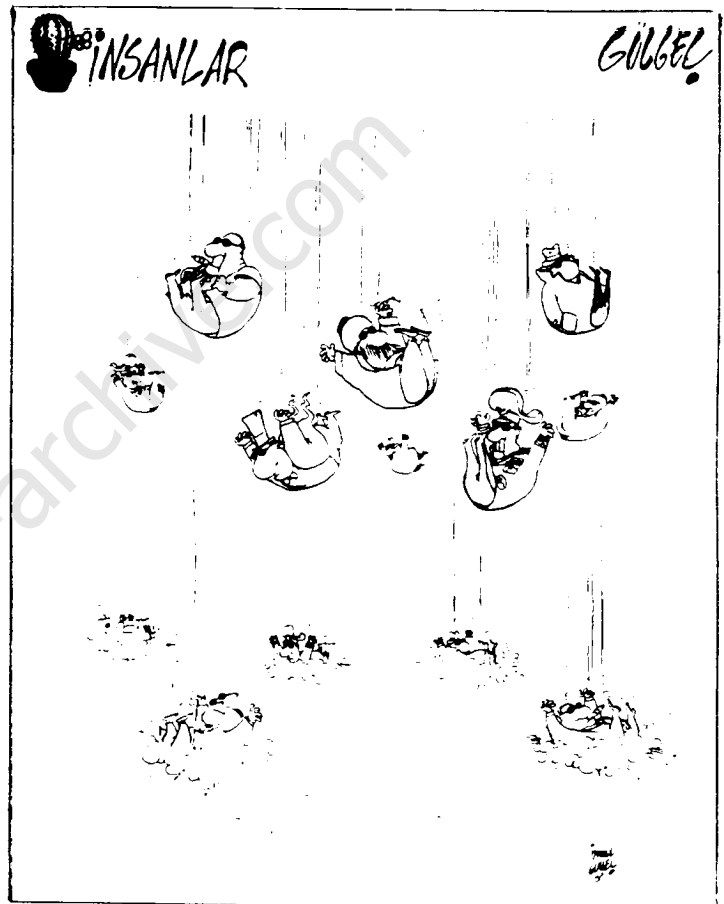
۳- طرح کیسینجر در مجله آمریکایی نیویورک انتشار یافته و واحد مرکزی خبر جمهوری اسلامی اقدام به ترجمه آن نموده است. این ترجمه در روزنامه کیهان دولتی مورخ ۷ اردیبهشت ۷۰ به حساب رسیده است.

۴- جایگاه دولت پاکستان، اسرائیل و بخصوص رژیم جمهوری اسلامی

مختاری فلسطینها در ساحل غربی رود اردن و نوارغزه با کنترل کامل خود بر آن مناطق و البته با تضمین کامل امنیت خود از جانب دولتهای عربی، باشد.

اما آمریکا برای اجرای کامل طرح امنیتی خود در منطقه و جلب رضایت دولتهای عرب طرفدار خود، نیاز به اخذ امتیاز بیشتری از اسرائیل دارد.

●●●●



تمامی دولتهای امپریالیست به خلیج فارس آمدند، با نیروهای نظامی، امنیتی، و کارشناسانشان، تا شاید به راه حلی برای وضعیت بحران زده حکومت‌های منطقه، و تأمین منافع خود در آن سامان دست یابند. همه آنها به روشنی می‌دانند که ادامه بی‌ثباتی رژیم‌های منطقه و تداوم خلأ قدرت در آن خطر انقلاب و از دست رفتن کل منافعشان را تسهیل می‌کند. هدف اصلی آنها صرف نظر از رقابتها و تضادهایشان و تناقضات سیاسی و اقتصادی‌شان با یکدیگر، در این میان بسادگی این است که بهترین و مطمئن‌ترین راه در انقیاد نگهداشتن کارگران و زحمتکشان منطقه را اجرا کنند. دعوی آنها تنها بر سر این است که کدام يك از آنها می‌بایستی سهم بیشتری از حاصل استثمار کارگران و زحمتکشان منطقه

"نظم نوین" دلخواه امپریالیسم در خاورمیانه

هجوم همسایگان آزمندش نبود شود... بهرحال، قدرت عراق در دفاع از خود با سلاحهای متعارفی در برابر حمله زمینی همسایگانش، نباید در دراز مدت تهدیدی برای ثبات باشند بلکه باید سعی از آنرا بر عهده گیرد." (تاکید از من)

جراغ سبز آمریکا و متحدینش به دولت عراق برای سرکوب قیامها و شورشهای شمال، شرق و جنوب شرقی این کشور در چارچوب طرح فوق صورت گرفته است. برای اطلاع بیشتر به مقاله "حزب بعث عراق، نیروهای چند ملیتی و نسل کشی از ملتکرد" در همین شماره رجوع کنید.

در این طرح، احتیاج به بررسی جداگانهای دارد که پرداختن به آن فرصت دیگری را میطلبد.
 لئو کسینجر در طرح پیش گفته شده بطور روشنی در این باره میگوید: "یکی از علل بحران کنونی (بحران خلیج فارس) کمک یک جانبه کشورهای غربی برای دفاع از عراق در جنگش علیه ایران است و این فراموش شده بود که اگر ایران به شدت ضعیف شود، شکست عراق تجاوزگر بعدی باشد. اگر در این بحران نیز عراق به شدت ضعیف شود، همسایگانش بویژه ایران، خواهند کوشید که خلأ را پر کنند. یک هدف نظامی باید این باشد که دندان قدرت تهاجمی عراق را کشید، بدون آنکه ^{تهدید} ایستادگی آن در برابر

انتشار اخبار ارسالی ما پیرامون جنایات رژیم در کردستان توسط

نشریه 'Rote Fahne'

بنفیه از صفحه ۳۲

Rote Fahne 16/1991

Iranische Polizei greift Arbeiterviertel in Kurdistan an

Während die iranische Regierung sich in diesen Tagen rühmt, die Aufnahme kurdischer Flüchtlinge beweise ihre kurdenfreundliche Haltung, berichtet ein in der Bundesrepublik lebender Iraner von einer anderen Wirklichkeit.

Die islamische Republik Iran hat besonders vom Krieg profitiert. Auf der einen Seite hat sie ihre Beziehungen mit der BRD und anderen Imperialisten weiter verbessert und ihre volle Unterstützung bekommen, und auf der anderen Seite hat sie die iranische Bevölkerung noch mehr unterdrückt.

Seit Januar 1991 setzt die islamische Republik Iran die Kurden in Sanandaj (Landeshauptstadt von Kurdistan) noch stärker unter Druck. Mitte Januar haben Sicherheitskräfte des Regimes viele Kurden in Sanandaj heftig geprügelt, einige Frauen gepeitscht und einige Gegner des Regimes hingerichtet. Darunter auch Raschid Khadju. Sie haben Ende Januar die Arbeiterviertel in Sanandaj angegriffen und viele Kollegen festgenommen, da sie an selbständigen Maiveranstaltungen der letzten

drei Jahre teilgenommen hatten. Davor haben sie Abdollah Bujus, ein Mitglied der Bäckerregewerkschaft, in der Stadt Marivan hingerichtet.

Das iranische Regime will durch diese harten Maßnahmen unter anderem die selbständigen Maiveranstaltungen verhindern. In den letzten Jahren fanden in Sanandaj trotz einer militärischen Kontrolle große Maiveranstaltungen von Tausenden Kollegen und Kolleginnen statt, in denen die Teilnehmer ihre Forderungen in Form einer Resolution bekundet hatten. Auch im letzten Jahr hat das iranische Regime versucht, durch 17 Hinrichtungen und durch die militärische Kontrolle die Maiveranstaltungen abzublocken. Einer von diesen 17 Hingerichteten war Djamal Tscherschaghveisi, einer der Redner der Maiveranstaltung von 1989.

از ژانویه ۱۹۹۱ تاکنون جمهوری اسلامی ایران کردهای سنندج، مرکز کردستان، را بیش از پیش تحت فشار قرار داده است. نیروهای امنیتی رژیم در اواسط ژانویه تعداد زیادی از مردم سنندج را شدیداً مورد ضرب و شتم قرار دادند، تعدادی از زنان را - شلاق زدند و برخی از مخالفان رژیم از جمله رشید خاجورا اعدام کردند. در اواسط ژانویه آنها به محلهای کارگری سنندج حمله کردند و بسیاری از کارگران را به علت شرکتشان در اجتماعات مستقل اول ماه مه سه سال گذشته، دستگیر کردند.

قبل از آن ایشان عبدالله بیوس یکی از اعضای اتحادیه نانوایان مریوان را اعدام کرده بودند.

یکی از اهداف رژیم ایران از این اقدامات خشونت آمیز، جلوگیری از برگزاری مراسم مستقل اول ماه مه است. در سالهای اخیر علیرغم کنترل نظامی در سنندج اجتماعات بزرگ اول ماه مه با شرکت هزاران تن از کارگران برگزار شده است. در این مراسم شرکت کنندگان خواستههای خود را به صورت یک قطعنامه به صوب رساندند. در سال گذشته نیز رژیم ایران کوشید با توسل به کنترل نظامی و اعدام ۱۷ تن، از برگزاری مراسم اول ماه مه مانعت به عمل آورد. یکی از این ۱۷ تن اعدام شدگان جمال چراغ ویسی، از سخنرانان اول ماه مه ۱۹۸۹ بود.

□

اخبار اعتصابات و تظاهرات کارگری و توده ای در ایران را به اطلاع جهانیان برسانیم!

نامه های رسیده

رفقا و دوستان متشکل در شورای پناهندگان و آوارگان ایرانی-آلمانی اطلاعیهها، اسانامه و مبلغ ۱۰ دلاری که فرستاده بودید، به دستمان رسید، بسیار متشکریم. ما از اینکه ارتباطمان برقرار شده صمیمانه شادمانیم و امیدواریم در آینده روابطمان از عمق و گستردگی بیشتری برخوردار شود.

در آینده نزدیک اسانامه کمیته همبستگی ۰۰۰ را به همراه نامه جداگانه‌ای برایتان خواهیم فرستاد. از این پس نشریه پیشوا را نیز به تعداد مورد نظرتان ارسال خواهیم کرد. دستتان را به گرمی می‌فشاریم و برایتان آرزوی موفقیت می‌کنیم.

رفقا و دوستان متشکل در انجمن مهاجرین و پناهندگان ایرانی-ونکوور (کانادا)، هر دو نامه شما به همراه لیستی از فعالیتهای سیاسی - فرهنگی‌تان و همچنین ۵ دلار ارسالی به دستمان رسید. ضمن تشکر و قدردانی از فعالیت‌هایتان در رابطه با دفاع از پناهندگان ایرانی دستگیر شده توسط پلیس ترکیه، آرزو مندیم در جهت اتحاد و متشکل نمودن پناهندگان همچنان از دستاوردهای بیشتری برخوردار گردید، موفق باشید!

۲۰



در صفحه ۲۶

انتشار اخبار ارسالی ما پیرامون جنایات رژیم در کردستان توسط نشریه 'Rote Fahne'

در شرایط حاضر که دول امپریالیستی از "لیبرالیزه" شدن رژیم جنایتکار اسلامی دم می‌زنند و می‌کوشند تصویری تحریف شده از این رژیم به افکار عمومی جهان قالب کنند، روشنگری درباره واقعات جامعه ایران و افشای چهره کریه جمهوری اسلامی، ضرورت صد چندان می‌یابد.

در همین راستا رفقای کمیته همبستگی با مبارزات مردم ایران-هانوفر اخبار مربوط به جنایات و سرکوبهای اخیر رژیم در کردستان را ترجمه کرده و در اختیار هفته نامه Rote Fahne (پرچم سرخ) قرار دادند و این هفته نامه در تاریخ ۱۳ آوریل اقدام به انتشار چکیده‌ای از اخبار مذکور نمود.

در زیر کلیشه خبر منتشر شده در Rote Fahne و ترجمه آن از نظر گرامیتان می‌گذرد.

ترجمه خبر منتشر شده:

"پلیس ایران به محله‌های کارگری کردستان حمله می‌کند!"

مشغول

در حالیکه در این روزها حکومت اسلامی خودستایی است و پذیرش پناهندگان کرد را دلیلی بر دوستی خویش با کردها (معرفی‌نمیکند)، یک ایرانی مقیم آلمان از واقعیت دیگری خبر میدهد.

جمهوری اسلامی ایران به خصوص از جنگ سود برد. (جمهوری اسلامی) از یکسو همچنان رابطه خود با آلمان فدرال و سایر امپریالیستها را بهبود بخشید و از حمایت کامل ایشان برخوردار شد و از سوی دیگر مردم ایران را باز هم بیشتر تحت فشار قرار داد.

۳۱

با پیش

همکاری کنید

Solidaritätsverein mit iranischen Voelkern
Postfach 5311
3000 Hannover 1
Germany

شماره حساب بانکی
Solidaritätsverein
mit iranischen Voelkern
Stadtparkasse Hannover
KTO : 501336
BLZ : 25050180
W - Germany

زن‌لانی مسی آزادی باید گردد